



وزیر نیرو گفت: با همت متخصصان داخلی و پیگیری‌های مستمر، مشکلات حوزه برق به‌زودی برطرف می‌شود و از مردم می‌خواهیم با مصرف بهینه برق، وزارت نیرو را همراهی کنند...

سخنگوی وزارت امور خارجه
کشورمان، بیانیه مشترک وزرای امور
خارجه و دارایی کانادا در حمایت از
جنگ اقتصادی آمریکا علیه ایران را
محکوم کرد...



مسکن یا کابوس بدھی

A wide-angle photograph of a fleet of Iranian naval ships sailing on the Persian Gulf. The ships are moving from left to right, leaving white wakes behind them. The largest ship in the foreground is a missile cruiser, with several smaller missile boats following in a line. The sky is clear and blue, and the water is a deep blue. The text 'تنگه هرمز به شرایط پیش از جنگ بازمی‌گردد؛' is overlaid in a red box, and the title 'موج اقتدار در تنگه' is in large white letters with a black outline. A small yellow box at the bottom center contains the text 'صفحه ۲'.

تنگه هرمز به شرایط پیش از جنگ باز نمی‌گردد؛

موج اقتدار در تنگه

صفحه ۳

هیأت اجرایی فروش نیروی پدافند هوایی آجا



هیأت اجرایی فروش نیروی یدافند هوایی آجا

شہدای نیر

روابط عمومی منطقه چهار شهرداری یزد

شناسه آگهی ۲۲۷۳۴۳۹

وزیر نیرو:

درآمد نیروگاه‌های خورشیدی به سفره مردم می‌رسد

وزیر نیرو گفت: با همت متخصصان داخلی و پیگیری‌های مستمر، مشکلات حوزه برق به‌زودی برطرف می‌شود و از مردم می‌خواهیم با مصرف بهینه برق، وزارت نیرو را همراهی کنند. عباس علی‌آبادی در حاشیه‌آیین آغاز عملیات اجرایی پست ۲۰/۱۳۲ کیلوولت چاه‌مبارک عسلویه اظهار کرد: طرح‌های توسعه حوزه برق استان بوشهر و سراسر کشور در حال پیگیری است، اما همچنان از مردم درخواست داریم با مصرف بهینه برق، وزارت نیرو را در مدیریت شرایط موجود همراهی کنند. وی با اشاره به پیگیری مسائل صنعت برق در استان بوشهر افزود: با کمک مردم در مسیر رسیدن به شرایط بهتری قرار داریم و با همت متخصصان داخلی و پیگیری‌های مستمر، مشکلات حوزه برق استان بوشهر و سراسر کشور به‌زودی رفع خواهد شد. وزیر نیرو تأکید کرد: همکاری مردم در مدیریت مصرف برق اهمیت زیادی دارد و با این رویکرد می‌توانیم در برابر دشمنان نیز عملکردی درخور شأن ملت ایران داشته باشیم. علی‌آبادی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به عرضه سهام صندوق پروژه نیروگاه‌های خورشیدی گفت: روز گذشته فرمان امام شهید به اجابت رسید و موفق شدیم عواید حاصل از نیروگاه‌های خورشیدی احداث‌شده را از مسیر صندوق سرمایه‌گذاری به سفره مردم ببریم. وی ادامه داد: در مدت کوتاهی تمام سهام عرضه‌شده نیروگاه‌ها با استقبال مردم مواجه‌شده و مردم با سرمایه‌های خرد خود این سبد را خریداری کردند.

سختگویی کمیسیون انرژی پاسخ داد: سهمیه بنزین خودروهای نو شماره و وارداتی چگونه است؟

سختگویی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: خودروهای نو شماره و وارداتی روال قبلی سهمیه‌های خود را دارند و برای آنها محدودیتی در نظر گرفته‌شده است ولی باید هزینه درباره آنها مطرح‌شده در خصوص سهمیه بنزین خودروهای نو شماره و وارداتی، با اشاره به اجرای افزایش نرخ سوم بنزین گفت: واقعیت این است که ما در مجلس اساساً با افزایش نرخ سوم بنزین مخالف بودیم، اما با توجه به اینکه دولت در این مسیر حرکت کرده و تصمیم گرفته‌شده است، ما نیز با این تصمیم همراهی می‌کنیم تا نتیجه آن مشخص‌شود. وی در ادامه با بیان اینکه مجلس بر اساس قانون برنامه وقانون هدفمندی یارانه‌ها اختیار تغییر قیمت حامل‌های انرژی را به دولت داده است، اظهار کرد: بر اساس اختیاری که مجلس در سال ۱۳۸۸ به دولت داده است، دولت می‌تواند قیمت بنزین را افزایش دهد. اکنون نیز با تصمیم دولت نرخ سوم افزایش پیدا کرد. خودروهای نو شماره و وارداتی طبق همان روال قبلی سهمیه خود را دریافت می‌کنند.

هشدار مدیران صنعتی

عرضه جهانی دیزل در طول زمستان محدود می‌ماند

جنگ روسیه و اوکراین و تجاوز نظامی آمریکا به ایران بر فعالیت پالایشگاه‌های روسیه و خاورمیانه تأثیر گذاشته و حاشیه سود دیزل را در اروپا و آمریکا به سطوح بی‌سابقه‌ای رسانده و در عین حال عرضه نفت خام به آسیا را کاهش داده است. راسل هاردی، مدیرعامل ویتول، روز سه‌شنبه در کنفرانس اپک (OPEC) گفت: «واقعاً کمبود فرآورده‌های نفتی وجود دارد زیرا ما دو میلیون بشکه در روز از روسیه و تقریباً دو میلیون بشکه در روز از خاورمیانه کم داریم.» هاردی گفت که نفت خام در مقایسه با فرآورده‌های نفتی در وضعیت عرضه بهتری قرار دارد، زیرا خاورمیانه حدود ۹ میلیون بشکه در روز نفت خام و یک میلیون بشکه در روز فرآورده‌های نفتی صادر می‌کند. او گفت: «ما هنوز ظرفیت پالایش کافی برای جلوگیری از این کمبودها را نداریم. ما همچنان از مازاد موجود در سراسر جهان تغذیه می‌کنیم و تقریباً به انتهای ذخایر خود رسیده‌ایم.

محبوبه‌کیاری / گروه انرژی

همزمان با اتمام فصل تابستان و افزایش میزان سفرها میزان مراجعات مردم به جایگاه‌های سوخت افزایش می‌یابد همین باعث می‌شود فشار به زنجیره‌ای وارد شود که از پالایشگاه آغاز می‌شود و تا انبار و خط انتقال و ناوگان حمل و جایگاه ادامه دارد. در دوره جنگ اخیر همین زنجیره باید همزمان با افزایش مصرف و فشار بر برخی زیرساخت‌های انرژی به کار خود ادامه می‌داد و اجازه نمی‌داد مسئله‌ای که از یک نقطه آغاز شده به کمبود گسترده سوخت در کشور تبدیل شود. در جنگ ۱۲ روزه مصرف بنزین در یکی از روزها به ۱۹۷ میلیون لیتر رسید؛ رقمی که فاصله زیادی با تولید عادی روزانه کشور داشت. تولید بنزین در همان دوره در محدوده حدود ۱۱۰ میلیون لیتر در روز حفظ شد و در مقاطعی ظرفیت بیشتری نیز برای پاسخ به شرایط اضطراری به کار گرفته شد. این فاصله میان تولید و مصرف نشان می‌داد پالایشگاه به تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی یک شوک بزرگ باشد و بخش دیگری از کار باید با ذخایر موجود و مدیریت توزیع و جابه‌جایی سوخت انجام شود. طبق آخرین آمارهای اعلام‌شده محمدصادق عظیمی فر مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران میانگین روزانه مصرف بنزین طی امسال به ۱۳۲ میلیون لیتر رسیده و این رقم در مرداد به‌طور میانگین ۱۳۸ میلیون لیتر در روز بوده است. عظیمی فر تأکید کرد: ما مصارف بالایی را تجربه کردیم. همین روز قبل بالغ بر ۱۵۰ میلیون لیتر بنزین توزیع‌شده در سطح کشور. در استان تهران ۲۶ میلیون لیتر بنزین توزیع کردیم که ۳۰ درصد بیشتر از نرم ۴۰ میلیون لیتری توزیع بنزین در استان تهران بوده است. براساس این گزارش در روزهای نخست جنگ بخشی از مردم شهرهای بزرگ راهی استان‌های دیگر شدند و همین جابه‌جایی سریع برنامه معمول مصرف را تغییر داد. در بعضی مناطق میزان مراجعه به جایگاه‌ها افزایش پیدا کرد و

تاکید رئیس قرارگاه رفع ناترازی بر تامین سوخت نیروگاه ها؛ ابلاغ جدول ۵ ماهه سوخت زمستان به نفت و نیرو

رئیس قرارگاه رفع ناترازی در تشریح نشست این قرارگاه، گفت: اولویت نخست در زمستان، تأمین گاز بخش خانگی و تجاری است و براساس جدول مصوب شده، پنج ماه پایانی سال باید تأمین نفت‌گاز، گاز طبیعی و نفت کوره و همچنین حفظ سطح ذخایر لازم دقیقاً رعایت شود. رمضانعلی سنگدوبینی رئیس قرارگاه رفع ناترازی انرژی، در تشریح نشست این قرارگاه با حضور دو وزیر نفت و نیرو، رئیس و اعضای کمیسیون انرژی مجلس با موضوع «تأمین سوخت زمستانی نیروگاه‌ها، صنایع و بخش خانگی در سال ۱۴۰۵»، ضمن قدردانی از عملکرد وزرای نفت و نیرو و همه همکاران آن‌ها، عملکرد سال گذشته را قابل توجه خواند. سال گذشته حدود سه و نیم میلیارد لیتر ذخیره نفت‌گاز داشتیم که عدد کمی نیست و به لطف همین ذخیره سازی، زمستان بسیار خوبی را بدون خاموشی پشت سر گذاشتیم. وی علت اصلی این موفقیت را استمرار جلسات نظارتی منظم دانست و افزود: بر اساس دستور دکتر قالیباف و رئیس کمیسیون انرژی مجلس، این نشست‌های تخصصی



صف‌هایی نیز شکل گرفت که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت اما این فشار به توقف سراسری عرضه منتهی نشد و جریان سوخت‌رسانی در کشور ادامه یافت. این تجربه نشان داد فاصله زیادی میان «تولید و سوخت» و «رساندن سوخت به مردم» وجود دارد. ممکن است بنزین در پالایشگاه تولید شده باشد اما اگر میزان مصرف یک منطقه در مدت کوتاهی چند برابر شود شبکه توزیع باید بتواند خود را با شرایط تازه هماهنگ کند.

تولید بالا ماند اما مسئله مصرف باقی است

حفظ تولید حدود ۱۱۰ میلیون لیتر بنزین در روز در شرایط جنگی اهمیت داشت اما عدد ۱۹۷ میلیون لیتر از زایه دیگری هم باید دیده شود. شبکه سوخت توانست یک دوره کوتاه و فشرده را پشت سر بگذارد ولی اگر چنین سطحی برای مصرف برای مدت طولانی ادامه پیدا کند نمی‌توان تنها با بالابردن تولید پالایشگاه‌ها پاسخ داد. فاصله میان تولید و مصرف بنزین پیش از جنگ نیز یکی از مسائل اصلی بخش انرژی بود و جنگ فقط این فاصله را آشکارتر کرد. از این رو مطالبه پس از جنگ نباید فقط افزایش ظرفیت تولید باشد بلکه مدیریت مصرف و پراکندگی

اختصاص ۱.۳ همت اعتبار برای اجرای طرح مسئولیت اجتماعی صنعت نفت مشارکت مردم، ضامن ماندگاری طرح‌های توسعه‌ای است

پایان سال افزایش یابد. وی با تأکید بر تغییر رویکرد در حوزه مسئولیت اجتماعی وزارت نفت گفت:

در دولت چهاردهم، با توجه به تأکیدهای مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری، محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت و حمید بودر، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران، مبنی بر استفاده از ظرفیت‌های محلی در اجرای پروژه‌ها، الگوی جدیدی برای افزایش مشارکت جوامع محلی شکل گرفته است تا با هم‌افزایی میان مردم، دستگاه‌های اجرایی و بهره‌برداران استانی، پروژه‌ها با اثربخشی بیشتری اجرا شوند. برای نمونه، در اجرای یک پروژه ورزشی، بخشی از عملیات زیرسازی با مشارکت مردم و همکاری دهیاری انجام می‌شود، اجرای چمن، سکو و دیگر بخش‌های تخصصی به وزارت ورزش سپرده می‌شود و صنعت نفت نیز مسئولیت تأمین اعتبار، نظارت و تکمیل پروژه را برعهده می‌گیرد. این نوع هم‌افزایی افزون بر تسریع در اجرای پروژه‌ها، سبب می‌شود مردم به‌دلیل حضور و مشارکت مستقیم در اجرای طرح، پس از بهره‌برداری نیز احساس مسئولیت بیشتری برای نگهداری و راهبری آن داشته باشند؛ موضوعی که در نهایت به افزایش ماندگاری و اثربخشی پروژه‌ها کمک می‌کند.

«روزگار» اثر فعالیت پالایشگاه‌ها در مهار شوک مصرف سوخت را تحلیل کرد

توازن در برابر جهش

نشد. اهمیت حفظ جریان گاز فقط به مصرف خانگی مربوط نیست زیرا بخش بزرگی از برق کشور در نیروگاه‌هایی تولید می‌شود که به گاز وابسته‌اند و هر محدودیت جدی در تحویل‌گاز می‌تواند مصرف نفت‌گاز نیروگاهی را بالا ببرد. به همین دلیل مدیریت گاز و سوخت مایع در روزهای بحران دوپرونده جدا نیستند، اگر تولید گاز کاهش پیدا کند باید بخشی از آن با سوخت مایع جبران شود و همین تغییر فشار تازه‌ای به پالایش و انتقال و توزیع وارد می‌کند. ادامه تولید و توزیع گاز در شرایط جنگی کمک کرد این فشار در مقیاس گسترده به شبکه سوخت منتقل نشود. طبق آمارها بعد از جنگ نیز ذخایر انرژی افزایش پیدا کرد. ذخیره نفت‌گاز نیروگاهی در آبان ۱۴۰۴ به رکورد ۲۰۴ میلیارد لیتر رسید و ذخیره‌سازی نیز زمینی گاز نیز به ۳۰۱۶ میلیارد مترمکعب افزایش یافت. این اعداد مربوط به ماه‌های بعد از جنگ ۱۲ روزه هستند و نباید به عنوان پشتوانه همان دوره محاسبه شوند اما از زایه آمادگی شبکه برای شرایط بعدی اهمیت دارند. در سال‌های اخیر بخشی از ظرفیت انتقال فرآورده نیز افزایش یافته و خطوط بندرعباس، رفسنجان و سیزاب، شازند وارد مدار شده‌اند و شش نیروگاه به خطوط انتقال فرآورده متصل شده‌اند. این طرح‌ها برای شرایط جنگی طراحی نشده‌اند اما هر اندازه سهم خطوط لوله در انتقال سوخت بیشتر شود فشار کمتری بر حمل جاده‌ای وارد خواهد شد و شبکه در دوره‌های بر مصرف امکان بیشتری برای جابه‌جایی فرآورده خواهد داشت. در عین حال تجربه جنگ نشان داد ناوگان جاده‌ای همچنان یکی از پایه‌های اصلی سوخت‌رسانی کشور است و در زمان تغییر سریع تقاضا انعطاف بیشتری از خطوط ثابت انتقال دارد. کارکنان انبارها و مراکز پخش و رانندگان نفتکش در این دوره بخشی از همتان زنجیره‌ای بودند که اجازه نداد افزایش مصرف به توقف عرضه تبدیل شود.

معاون وزیر نفت بیان کرد:

تمهیدهای جدید برای ناوگان فعال در سکوهای اینترنتی

هستیم که مبتنی بر پیمایش، سهمیه مازادی مشابه آنچه برای دیگر تاکسی‌های عمومی اختصاص داده می‌شود، به این ناوگان نیز تعلق گیرد. عظیمی فر اضافه کرد: براین اساس، در پی افزایش نرخ سوخت، نباید تغییر خاصی در کرایه ناوگان فعال در سکوهای اینترنتی ایجاد شود. عظیمی فر ادامه داد: این طرح به صورت آزمایشی در دو استان کرمان و سیستان و بلوچستان در حال اجرا و سهمیه سوخت، متناسب با میزان کارکرد به ناوگان فعال در سکوهای اینترنتی اختصاص یافته است. مدیرعامل شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی با بیان اینکه نتیجه اجرای این طرح در دست بررسی است، تصریح کرد: پس از نهایی شدن بررسی‌ها، می‌توان این طرح را در سراسر کشور اجرا کرد. معاون وزیر نفت تأکید کرد: اجرای همزمان این دو اقدام، یعنی دوگانه‌سوز کردن ناوگان و اختصاص سهمیه مازاد مبتنی بر پیمایش، موجب خواهد شد تا این ناوگان، افزایش هزینه‌ای را متحمل نشود. عظیمی فر اضافه کرد: بر این اساس، در پی افزایش نرخ سوخت، نباید تغییر خاصی در کرایه ناوگان فعال در سکوهای اینترنتی ایجاد شود.

تخصیص بنزین به کد ملی؛ مسکن یا راه حل ناترازی سوخت؟

بحث درباره تخصیص بنزین به کد ملی، بار دیگر مسئله اصلاح سیاست سوخت را به یکی از محورهای اصلی گفت‌وگوهای کارشناسی تبدیل کرده است. در این طرح، ایده اصلی آن است که یارانه بنزین به جای خودرو، به افراد یا خانوارها تعلق گیرد، اما همچنان پرسش‌های مهمی درباره قیمت مبادله سهمیه و آثار آن بر مصرف‌کنندگان، به‌ویژه ساکنان حاشیه شهرها، وجود دارد. بصیریان، پژوهشگر حوزه انرژی،، با تأکید بر اینکه مسئله بنزین صرفاً به قیمت یا نحوه توزیع سهمیه محدود نمی‌شود، گفت: پیش از آنکه درباره ابزارهای سیاستی تصمیم بگیریم، باید منشأ واقعی تقاضای بنزین را دقیق بشناسیم. ناترازی بنزین در سطح ملی دیده می‌شود، اما ریشه تقاضا در همه مناطق کشور یکسان نیست. وی افزود: تهران، شهرهای حاشیه‌ای، مناطق مرزی، کریدورهای ترانزیتی و مناطق گردشگرپذیر، هر کدام الگوی متفاوتی از مصرف دارند.

بصیریان درباره طرح تخصیص بنزین به کد ملی اظهار کرد: اصل اینکه یارانه سوخت از خودرو به فرد یا خانوار منتقل شود، می‌تواند از منظر عدالت توزیعی قابل بررسی باشد؛ زیرا در وضع موجود، فردی که خودروهای متعدد یا مصرف بیشتری دارد، معمولاً از یارانه بیشتری استفاده می‌کند. اما مسئله اینجاست که این ابزار نباید به عنوان راه حل نهایی ناترازی بنزین معرفی شود. وی ادامه داد: اگر تخصیص اعتبار یا سهمیه پایه به افراد، بدون شناخت الگوی تقاضا در مناطق مختلف و بدون ایجاد امکان واقعی برای جایگزینی سفر با خودروی شخصی اجرا شود، احتمالاً بخش مهمی از مسئله باقی می‌ماند. به‌ویژه در حاشیه کلان شهرها، بسیاری از شهروان روزانه برای رفتن به محل کار، مدرسه، درمان یا انجام امور ضروری انجام می‌شود و امکان حذف ساده آن وجود ندارد. این پژوهشگر حوزه انرژی گفت: باید میان «حق دسترسی پایه» و «مصرف مازاد» تفاوت قائل شد. می‌توان برای افراد یا خانوارها یک اعتبار پایه در نظر گرفت، اما مصرف بالاتر از آن باید در چارچوبی روشن، تدریجی و متناسب با شرایط اقتصادی خانوارها مدیریت شود.

در عین حال، سیاست تخصیص نباید جایگزین سرمایه‌گذاری در حمل‌ونقل عمومی شود. بصیریان در پاسخ به این پرسش که قیمت بنزین در طرح تخصیص به کد ملی چه میزان خواهد بود، گفت: تا زمانی که طراحی دقیق طرح، میزان اعتبار پایه، شیوه قیمت‌گذاری مصرف مازاد، نحوه حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و سازوکار نظارت بر اجرا مشخص نشود، نمی‌توان یک عدد قطعی برای قیمت اعلام کرد. وی افزود: مسئله فقط تعیین یک نرخ جدید نیست، باید روشن شود خاخواوری که در منطقه‌ای با دسترسی مناسب به مترو و اتوبوس زندگی می‌کند، با خانواری که در حاشیه شهر و بدون دسترسی مؤثر به حمل‌ونقل عمومی سکونت دارد، چگونه در سیاست‌گذاری دیده می‌شوند. اگر قرار باشد یک نرخ واحد بدون توجه به تفاوت‌های جغرافیایی و اجتماعی اعمال شود، احتمال دارد فشار اصلی بر کسانی وارد شود که مصرفشان از روی انتخاب نیست، بلکه ناشی از نبود جایگزین است. بصیریان تأکید کرد: اصلاح قیمت، اگر ضرورت پیدا کند، باید تدریجی باشد و پس از ایجاد گزینه‌های جایگزین انجام شود. نمی‌توان ابتدا هزینه سفر را برای مردم افزایش داد و بعد وعده توسعه مترو، قطار حومه‌ای یا اتوبوس‌رانی را داد. بصیریان در ادامه با اشاره به افزایش تقاضای بنزین در دوره‌های اوج سفر، به‌ویژه تعطیلات و فصل تابستان، گفت: سیاست سهمیه‌بندی باید بتواند میان مصرف عادی خانوار و تقاضای فصلی ناشی از سفر تمایز قائل شود. در چنین شرایطی، حفظ یک سهمیه پایه برای مصرف‌کنندگان ضروری است، اما برای مصرف مازاد نیز باید امکان تأمین سوخت با قیمت اقتصادی در سازوکاری شفاف وجود داشته باشد. وی افزود: در مسیرهای بین‌راهی و مناطق مسافرپذیر، الگوی تقاضا با مصرف روزمره شهروندان تفاوت دارد. نمی‌توان مصرف بالای بنزین در این مناطق را صرفاً با تقسیم فروش جایگاه‌ها بر جمعیت ساکن تحلیل کرد؛ زیرا بخش بزرگی از مصرف مربوط به جمعیت شناور و خودروهای غیربومی است. بنابراین، سیاست‌گذاری در این مناطق باید متناسب با تقاضای سفر و شرایط فصلی طراحی شود.

هشدار صریح رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس به گروسی؛

آژانس اقدامی نکند که با پاسخ پشیمان کننده ایران مواجه شود

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با اشاره به ظرفیت‌های متعدد جمهوری اسلامی ایران برای رویارویی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تأکید کرد: آژانس تصمیمی نگیرد که برایش پشیمانی به همراه بیاورد.

ابراهیم عزیزی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با اشاره به اظهارات اخیر مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در حاشیه نشست فصلی شورای حکام گفت: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی د چار معضل داخلی شده و آن تبدیل شدن به یک بنگاه سیاسی است لذا در وهله اول باید این مسأله در همه سطوح آژانس حل شود.

نماینده مردم شیراز در مجلس شورای اسلامی افزود: رافائل گروسی به جای اینکه مسئولیت یک سازمان بین‌المللی بیطرف را داشته باشد، عامل قدرت‌های استکباری شده لذا به حال آژانسی که او مدیریت می‌کند باید تأسف خورد. وی در بخش دیگری از صحبت‌های خود با اشاره به احتمال صدور قطعنامه علیه جمهوری اسلامی ایران تأکید کرد: ما به منافع خود فکرمی کنیم نه به دستورالعمل‌های یکطرفه و تبعیض آمیز. خیلی شفاف به آژانس و شخص مدیرکل اعلام می‌کنیم توجه کنند با ایران پس از جنگ رمضان طرف هستند؛ ایران قبل از جنگ ۴۰ روزه بعد از آن متفاوت است.

انتقاد سفیر ایران در آلمان از بی قانونی‌های مکرر کشور اروپایی

سفیر جمهوری اسلامی ایران در آلمان در واکنش به تلاش سه کشور اروپایی برای ارجاع مجدد موضوع هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل، نوشت: «اگر تحریم‌های شورای امنیت با فعال سازی اسنپ‌یک بازگشته‌اند، ارجاع دوباره موضوع ایران به شورای امنیت چه معنایی دارد؟» مجیدنبیلی احمدآبادی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در آلمان در مطلبی در پلتفرم «ایکس» در واکنش به تلاش سه کشور اروپایی برای ارجاع مجدد موضوع هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل نوشت: «در سپتامبر ۲۰۲۵، سه کشور اروپایی بافعال سازی غیرقانونی ‘اسنپ‌یک’، مدعی بازگشت تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران شدند. اکنون می‌خواهند موضوع ایران را دوباره به شورای امنیت ارجاع دهند!»

راشاتودی؛

تهران شروط خود را به واشنگتن اعلام کرد

«یک منبع سیاسی در تهران» به راشاتودی گفت که پس از شکست‌های مکرر اقدامات نظامی علیه ایران، واشنگتن اخیراً پیشنهادهایی را منتقل کرد.

طبق گزارش راشاتودی، «پس از آنکه واشنگتن اخیراً پیشنهاد‌های جدیدی را به تهران ارسال کرد، ایران شرایط خود را از طریق میانجی‌ها به

به نقل از راشاتودی، این منبع گفت: «به رغم نقض‌های مکرر واشنگتن، تبادلات از طریق میانجی‌ها ادامه دارد. ایران پس از آنکه واشنگتن اخیراً پیشنهاد‌های جدیدی را به تهران ارسال کرد، شروط خود را از طریق میانجی‌ها به آمریکا منتقل کرده است.»

بیانیه نیروهای مسلح یمن درباره جزئیات پاسخ به تجاوزات عربستان

نیروهای مسلح یمن در بیانیه‌ای اعلام کرد در واکنش به حملات سه روز گذشته عربستان به مناطق مختلف یمن، عملیاتی گسترده با استفاده از ده‌ها فروند موشک بالستیک و پهپاد علیه شرکت آرامکو در ابها، نجران، شهر اقتصادی و جیزان و همچنین پایگاه هوایی خمیس مشیط انجام داده‌اند.

سرتیپ یحیی سریع، سخنگوی نیروهای مسلح یمن با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که ارتش این کشور در پاسخ به تجاوز و تشدید حملات عربستان علیه یمن عملیاتی نظامی علیه شمراری از تأسیسات و مواضع این کشور انجام داده است.

طبق گزارش شبکه المسیره، در این بیانیه آمده است: مردم یمن طی ۱۲ سال گذشته در معرض حملات و محاصره از سوی عربستان قرار داشته‌اند و طی سه روز گذشته نیز حملات هوایی گسترده‌ای علیه استان‌های مارب، البیضا، الحدید، تعز و الجوف انجام شده است. در جریان این حملات، جنایت‌های بزرگی رخ داده که تازه‌ترین مورد آن حمله به استان الجوف بوده است.

تنگه هرمز بار دیگر به کانون یکی از مهم‌ترین معادلات سیاسی و امنیتی منطقه تبدیل شده است؛ اما این بار تهران و مسقط در حال ترسیم چارچوبی هستند که می‌تواند قواعد تردد در این آبراه راهبردی را وارد مرحله‌ای تازه کند. تفاهم ایران و عمان برای ایجاد کریدور جدید عبور کشتی‌ها، در شرایطی مطرح شده که ایران بر حفظ نظارت و مدیریت خود بر تنگه تأکید دارد و آمریکا همچنان می‌کوشد نفوذ خود را در مهم‌ترین گذرگاه انرژی جهان حفظ کند. تهران این روند را نشانه‌ای از ناکامی فشارهای واشنگتن می‌داند؛ به ویژه آنکه ورود عمان به این معادله، وزن کشورهای منطقه را در تعیین آینده هرمز افزایش داده است. اکنون هرمز فقط یک آبراه نیست؛ به صحنه‌ای برای سنجش قدرت بازآرندگی ایران، نقش همسایگان و میزان اثرگذاری آمریکا در نظم جدید خلیج فارس تبدیل شده است.

کارشناس مسائل سیاسی گفت: تفاهم ایران و عمان برای تنظیم رژیم حقوقی جدید تنگه، در شرایطی که کنترل آن همچنان در اختیار ایران است، شکست بزرگی برای آمریکا محسوب می‌شود. حسین کنعانی مقدم درباره اخبار منتشر شده از تفاهم احتمالی ایران و عمان اظهار کرد: بیانیه صادر شده به معنای باز شدن تنگه هرمز نیست، بلکه قرار است یک چارچوب حقوقی جدید برای تنگه هرمز با هماهنگی ایران و عمان تنظیم شود. اگر این موضوع به توافق نامه یا عهدنامه تبدیل شود، باید برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه شود تا قابلیت اجرا پیدا کنند.

وی افزود: ورود عمان به این موضوع و صدور این بیانیه، شکست بزرگی برای آمریکا است. زیرا آمریکا اعلام کرده بود عمان نباید وارد این روند شود و نباید توافقی را امضا کند، اما عمان وارد این روند شد.

کارشناس مسائل سیاسی تصریح کرد: این اتفاق نشان داد تهدیدهای ترامپ درباره اینکه در صورت ورود عمان به این روند، آمریکا آن کشور را بمباران می‌کند، اثر خود را از دست داده است. این موضوع به کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نشان داد که می‌توان بدون سلطه آمریکا روابط خود را با ایران ادامه داد و در برابر فشار آمریکا قرار نگرفت. این موضوع یک

سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان، بیانیه مشترک وزرای امور خارجه و دارایی کانادا در حمایت از جنگ اقتصادی آمریکا علیه ایران را محکوم کرد. اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت امور خارجه و واکنش به بیانیه مشترک وزرای امور خارجه و دارایی کانادا در همراهی با اقدامات مداخله جویانه و جنگ اقتصادی آمریکا علیه ایران، در شبکه ایکس نوشت: درست در همان روزی که رئیس‌جمهور آمریکا با بی حرمتی به حاکمیت و استقلال کانادا، کل این کشور را به عنوان بخشی از قلمروی آمریکا نقاشی کرد، وزرای امور خارجه و دارایی کانادا تصمیم می‌گیرند باز هم در مسیر باج‌دهی به همسایه قلدر قدم بردارند؛ این بار از طریق لگد پراکنی به سمت ایران از طریق صدور بیانیه‌ای که سراسر تحریف واقعیت‌ها است.

تنگه هرمز به شرایط پیش از جنگ بازمی‌گردد؛

موج اقتدار در تنگه



پیروزی بزرگ برای ایران بود.

مسیرهای تردد در تنگه هرمز زیر نظارت ایران خواهد بود

کنعانی مقدم ادامه داد: درباره کریدوری که برای تردد از مسیر شمالی و باگشت از مسیر جنوبی در حال تنظیم است، به نظر می‌رسد توافق‌نامه‌ای در این زمینه در حال شکل‌گیری باشد. قرار است مسیر تردد به شکلی طراحی شود که ایران همچنان نظارت خود را بر تنگه

حفظ کند. وی خاطرنشان کرد: در این موضوع آمریکا شکست خورده است و تنگه هرمز همچنان در کنترل ایران قرار دارد. اینکه گته می‌شود مین‌روبی انجام شده، تنگه اما واقعیت این است که تنگه هرمز به

شرایط پیش از جنگ بازخواهد گشت، مگر اینکه ایران تصمیم به بازگشت شرایط داشته باشد. کارشناس مسائل سیاسی اضافه کرد: بر اساس توافق نامه چهارده بندی نیز تا

زمانی که محاصره ادامه دارد و تعهدات آمریکا اجرا نشده است، تنگه هرمز بسته خواهد بود. این موضوع فشار زیادی بر صادرات نفت آمریکا وارد کرده و آن را با مشکل روبه‌رو کرده است. کنعانی مقدم بیان کرد: باب‌المنذب نیز به این موضوع اضافه شده است و سیاست نظرمی‌رسد توافق‌نامه‌ای در این زمینه در حال شکل‌گیری باشد. قرار است مسیر تردد به شکلی طراحی شود که ایران همچنان نظارت خود را بر تنگه

حفظ کند. وی خاطرنشان کرد: در این موضوع آمریکا شکست خورده است و تنگه هرمز همچنان در کنترل ایران قرار دارد. اینکه گته می‌شود مین‌روبی انجام شده، تنگه اما واقعیت این است که تنگه هرمز به شرایط پیش از جنگ بازخواهد گشت، مگر اینکه ایران تصمیم به بازگشت شرایط داشته باشد.

کارشناس مسائل سیاسی اضافه کرد: بر اساس توافق نامه چهارده بندی نیز تا

دبیر شورای عالی امنیت ملی با اعلام محدودیت جدید در منطقه خلیج فارس و دریای عمان تشریح کرد: طی روزهای آینده یک منطقه ممنوعه جدید اعلام می‌کنیم که شامل فاصله بین خط محاصره آمریکا تا بندرهای بازرگاری می‌شود و هر کشتی در دو سوی تنگه هرمز به حرکت دربیاید و قصد حرکت به سوی تنگه را داشته باشد وارد لیست تحریمی ایران شده و تنگه هرمز نقطه‌ای است که ما می‌توانیم تحریم اعمال کنیم، بنابراین یک منطقه ممنوعه تحریمی برای محدوده تعیین شده ایران ایجاد می‌شود که کشتی‌های متخلف که بدون هماهنگی با ایران اقدامی کنند وارد لیست تحریمی ایران می‌شود و عواقبی همچون مشکل در بیمه و عبور و مرورهای بعدی خواهند داشت؛ بنابراین نخستین تغییر رویکرد ایران در تنگه هرمز است که فشارهای بیشتری بر آمریکا وارد خواهد کرد.

رضایی با اشاره به ایجاد مسیر مورد توافق ایران و عمان در تنگه هرمز بیان داشت: کریدور جدید بین‌المللی که ایران بر آن مدیریت دارد با برادران عمانی تعیین شده است و در روزهای آینده اعلام خواهد شد.

قدرت موشکی ایران و تغییر معادله در دریا

تحولات اخیر توجه‌ها را به توان موشکی ایران معطوف کرده است. استفاده از موشک‌های بالستیک برای تهدید شناورهای نظامی آمریکا، پیام‌روشنی درباره توسعه ظرفیت‌های دفاعی و تهاجمی جمهوری اسلامی ایران دارد؛ پیامی که مخاطب اصلی آن نه تنها ناوگان حاضر در منطقه، بلکه تصمیم‌گیران سیاسی و نظامی آمریکا هستند.

در همین چارچوب، برخی تحلیل‌گران از تغییر سطح عملیات موشکی ایران سخن گفته و حمله اخیر را از نظر فناوری و جسارت عملیاتی متفاوت از اقدامات پیشین ارزیابی کرده‌اند. طرح این ارزیابی‌ها در شرایطی صورت می‌گیرد که آمریکا تلاش کرده فاصله خود با ایران و شناورهای ایرانی را به عنوان عاملی برای افزایش امنیت ناوگان خود حفظ کند، اما توسعه برد و دقت تسلیحات ایران این محاسبه را با چالش روبه‌رو کرده است.

تنگه هرمز؛ آزمون قدرت ایران و آمریکا

اکنون تنگه هرمز به یکی از مهم‌ترین آزمون‌های قدرت میان ایران و آمریکا تبدیل شده است؛ آزمونی که در آن تنها تعداد ناوهای جنگی یا حجم تجهیزات نظامی تعیین‌کننده نیست، بلکه توان شناسایی، رصد، هدف‌گیری، واکنش سریع و تحمیل هزینه به طرف مقابل نیز اهمیت دارد. جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر نیروی دریایی سپاه، نیروی هوافضای سپاه و سایر ظرفیت‌های نیروهای مسلح، تلاش دارد نشان دهد که امنیت و منافع ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز قابل نادیده گرفتن نیست. از سوی دیگر، حضور نظامی آمریکا در منطقه با چالش جدیدی روبه‌رو شده است؛ چالشی که در آن فاصله جغرافیایی دیگر به تنهایی تضمین‌کننده امنیت نیست. نیروهای آمریکایی نیست. در چنین شرایطی، آنچه در تنگه هرمز جریان دارد، فراتر از یک رگرسی مقطعی است. این منطقه اکنون به صحنه‌ای برای سنجش قدرت بازآرندگی ایران، توان عملیاتی آمریکا و آینده‌موانزه نظامی در خلیج فارس تبدیل شده است؛ موانزه‌ای که تحولات روزهای اخیر نشان می‌دهد تهران برای حفظ آن، از ظرفیت‌های دریایی و موشکی خود استفاده خواهد کرد.

ناگفته های طرح بن گویر برای اخراج ۲ میلیون فلسطینی

کشوری که آماده پذیرش آنان است، بروند. این روزنامه اذعان کرده که گفت‌وگوهای پیشین تل آویو با چندین کشور درباره پذیرش فلسطینیان از نوار غزه با شکست مواجه شده است. بدیعت گزارش داد که بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی اعضای کابینه امنیتی خود را از تماس با با کشورهای آفریقایی از جمله اتیوپی، کنگو و سومالی لند، برای متقاعد کردن آن‌ها به پذیرش فلسطینیان، آگاه کرده است.

پسرانئیل کاتس یکی دیگر از افرادی است که تلاش دارد از طرح

مذکور برای تبلیغات انتخاباتی خود استفاده کند. وی مدعی شده که این طرح «لغو نشده» بلکه در حال حاضر تعلیق شده است. با این وجود کاتس به مخالفت شدید مصر با آواره سازی فلسطینیان از نوار غزه اذعان دارد. در همین زمینه، نتانیاهو هنگام بازدید از نظامیان صهیونیست در غزه گفت اسرانیل از نوار غزه عقب نشینی نخواهد کرد. وی گفت که نیروهایش بر ۶۰ درصد از نوار غزه مسلط هستند و ارتش اسرانیل از غزه عقب نشینی نخواهد کرد. با این وجود مایک هاکی، سفیر آمریکا در سرزمین‌های اشغالی گفته است که هیچ برنامه‌ای برای اجبار فلسطینیان به ترک غزه وجود ندارد؛ این در حالی است که هفته گذشته نیز دو وزیر افراطی صهیونیست طرح‌های خود را برای اخراج دسته جمعی فلسطینیان از غزه تکرار کردند.

طرح‌های آواره سازی فلسطینیان از غزه از زمان آغاز نسل کشی رژیم صهیونیستی در غزه از اکتبر ۲۰۲۳ از سوی مقامات صهیونیست مطرح شده بود و دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا

پایان حیات فجیره در دستان ایران

سعید شهبازی فراهانی،

تحلیل گرسائل راهبردی، امنیتی، روابط بین الملل و حوزه امنیت ملی



فجیره دیگر صرفایک بندر نفتی در ساحل دریای عمان نیست؛ این منطقه به یکی از نقاط مهم معادله امنیت انرژی، ژئوپلیتیک خلیج فارس و رقابت راهبردی ایران و امارات تبدیل شده است. اهمیت فجیره در یک واقعیت ساده نهفته است: امارات تلاش کرده است با انتقال بخشی از ظرفیت صادرات نفت خود به ساحل دریای عمان، آسیب پذیری اش در برابر اختلال در تنگه هرمز را کاهش دهد. اما همین تلاش، یک تناقض راهبردی ایجاد کرده است؛ هرچه فجیره برای امنیت انرژی امارات مهم تر شود، ارزش آن به عنوان یک گلوگاه راهبردی و در نتیجه حساسیت امنیتی آن نیز افزایش می‌یابد.

فجیره در خارج از تنگه هرمز و در ساحل دریای عمان قرار گرفته و به همین دلیل برای ابوظبى یک مزیت جغرافیایی کم نظیر فراهم می‌کند. خط لوله حبشان-فجیره امکان انتقال نفت خام از میداین ابوظبى به ساحل شرقی و صادرات آن بدون عبور مستقیم از تنگه هرمز را فراهم کرده است. ظرفیت این مسیر، اگرچه در مقایسه با حجم عظیم انرژی عبوری از هرمز محدود است، اما در شرایط بحران می‌تواند بخشی از فشار ناشی از اختلال در تنگه را جذب کند.

در اینجا باید به یک نکته راهبردی توجه کرد: امنیت ملی صرفاً به معنای توان دفاع از مرزها نیست؛ توان حفظ جریان انرژی، تجارت، ارتباطات و زیرساخت‌های حیاتی نیز بخشی از قدرت ملی است. از این منظر، فجیره را باید در چارچوب بزرگ‌تری از زیرساخت‌های راهبردی امارات تحلیل کرد؛ بندر، مخازن نفت، پایانه‌های صادراتی، مراکز سوخت رسانی کشتی‌ها، خطوط لوله و حتی کابل‌های زیر دریایی ارتباطی، مجموعه‌ای به هم پیوسته را تشکیل می‌دهند.

اما همین تمرکز زیرساختی یک آسیب پذیری جدید ایجاد می‌کند. هنگامی که بخش مهمی از ظرفیت جایگزین صادرات انرژی در یک نقطه جغرافیایی متمرکز می‌شود، آن نقطه از یک «راه حل جایگزین» به یک «دارایی راهبردی حساس» تبدیل خواهد شد. به همین دلیل، فجیره در بحران‌های منطقه‌ای نمی‌تواند صرفایک بندر تجاری تلقی شود؛ بلکه بخشی از معماری امنیت انرژی امارات است.

از منظر ایران، اهمیت موضوع فراتر از یک بندر یا یک خط لوله است. تنگه هرمز همچنان یکی از مهم ترین اهرم‌های ژئوپلیتیکی ایران در معادلات امنیتی منطقه است. حجم عظیم نفت و فرآورده‌های نفتی که روزانه از این آبراه عبور می‌کند، نشان می‌دهد که هیچ مسیر جایگزینی-حتی با توسعه ظرفیت فجیره- نمی‌تواند به سرعت و به طور کامل جایگزین هرمز شود.

این واقعیت، یک پیام مهم برای محاسبات امنیت ملی دارد: توسعه مسیرهای جایگزین از سوی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، به معنای حذف اهمیت ژئوپلیتیکی ایران نیست؛ بلکه نشان دهنده تلاش آنها برای کاهش ریسک وابستگی به یک گلوگاه راهبردی است.

در چنین شرایطی، قدرت ایران باید در یک مفهوم جامع دیده شود؛ از قدرت موشکی و پهپادی تا توان دریایی، بدافندی، اطلاعاتی، سایبری، اقتصادی و دیپلماسی منطقه‌ای. قدرت موشکی به تنهایی یک راهبرد نیست، همان گونه که قدرت اقتصادی بدون پشتوانه امنیتی نمی‌تواند بازآرندگی پایدار ایجاد کند. آنچه اهمیت دارد، ترکیب این ظرفیت‌ها در یک معماری منسجم امنیت ملی است.

تجربه تحولات اخیر نشان داده است که جنگ مدرن الزاماً با لشکرکشی گسترده آغاز نمی‌شود. پهپاد، موشک دوربرد، جنگ سایبری، عملیات اطلاعاتی، اختلال در زنجیره تأمین و هدف قرار دادن زیرساخت‌های حیاتی می‌توانند هزینه‌های سنگینی بر یک کشور تحمیل کنند. بنابراین، امنیت فجیره را نیز نمی‌توان صرفاً با استقرار تجهیزات نظامی در اطراف بندر تأمین کرد؛ زیرا آسیب پذیری واقعی در شبکه‌ای از خطوط لوله، مخازن، پایانه‌ها، سامانه‌های ارتباطی و زنجیره‌های لجستیکی توزیع شده است. از همین منظر، توسعه خط لوله جدید امارات به فجیره که قرار است ظرفیت صادرات این کشور را افزایش دهد، دارای دو پیام متناقض است.

درمان‌های قدیمی روی زخم‌های اقتصادی مردم اثر نمی‌کند

نسخه‌های منسوخ

یک اقتصاددان، با هشدار نسبت به تشدید فشارهای تورمی و ارزی در اقتصاد ایران گفت: اگر محاصره دریایی ادامه پیدا کند، تحریم‌های اقتصادی تشدید شود و تنگنای منابع مالی نیز افزایش یابد، رشد نقدینگی در پایان سال ۱۴۰۵ می‌تواند به ۶۰ تا ۶۵ درصد برسد و حجم نقدینگی را به حدود ۲۴ تا ۲۵ هزار همت برساند؛ شرایطی که می‌تواند تورم نقطه‌ای اسفندماه را به محدوده ۹۰ تا ۱۰۰ درصد برساند.

وحید شقاقی شهری، کارشناس اقتصاد کلان، در تشریح وضعیت نقدینگی در اقتصاد ایران ابتدا به روندی اشاره می‌کند که به گفته او یکی از ریشه‌های اصلی فشارهای تورمی امروز است. او می‌گوید در فاصله سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴، حجم نقدینگی بیش از سه برابر شده و در زمستان ۱۴۰۴ به ۱۵۵ هزار و ۸۱۲ هزار میلیارد ریال رسیده است.

به گفته این اقتصاددان، سیاست کنترل مقداری ترانزنامه بانک‌ها در مقطعی توانست سرعت رشد نقدینگی را کاهش دهد؛ به‌طوری که نرخ رشد نقدینگی در زمستان ۱۴۰۲ به‌طور موقت به ۲۴.۳ درصد رسید. اما این روند دوام چندانی نداشت.

«نه جنگ و نه صلح» نسخه مناسبی برای اقتصاد نیست

از نگاه شقاقی شهری، یکی از مهم‌ترین متغیرهایی که آینده اقتصاد ایران را تعیین می‌کند، سرنوشت شرایط سیاسی و امنیتی کشور است.

او صریح می‌گوید تا زمانی که سایه جنگ به‌طور کامل برطرف نشود یا وضعیت «نه جنگ و نه صلح» ادامه داشته باشد، دستیابی به ثبات اقتصادی، مهار تورم و تحقق رشد پایدار سرمایه‌گذاری بسیار دشوار و پیچیده خواهد بود و حتی ممکن است در مقطعی غیرممکن شود.

با این حال، او هشدار می‌دهد که دشواری شرایط نباید بهانه‌ای برای کنار گذاشتن قواعد اقتصادی باشد.

به گفته این اقتصاددان، اتفاقاً در چنین شرایطی پایبندی به انضباط مالی و پولی و رعایت چارچوب‌های حکمرانی اقتصادی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا همین قواعد می‌توانند مانع از تشدید بی‌ثباتی و «رهاشدگی اقتصاد» شوند.

شقاقی شهری همچنین با اشاره به بدهی خارجی‌اندک ایران معتقد است اگر انضباط بودجه‌ای، مالی و پولی رعایت شود، ناترازی‌های اقتصاد کلان تا حدی مهار شود و نظم و اقتدار حکمرانی اقتصادی و سیاسی حفظ شود، احتمال وقوع ابرتورم پایین خواهد بود.

در کنار هشدارهای تورمی، شقاقی شهری یک مسئله دیگر را نیز برجسته می‌کند: اینکه در چنین شرایطی، دولت چگونه باید از معیشت مردم حمایت کند؟

او معتقد است اقتصاد ایران اکنون با هم‌افزایی چند شوک مواجه است؛ از تحریم‌های بین‌المللی گرفته تا تورم‌های حاد نزدیک به مرزهای سه‌رقمی و تنگنای شدید منابع مالی در بودجه عمومی؛ به همین دلیل، بازتعریف سازوکارهای حمایت از معیشت مردم دیگر یک انتخاب نیست، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

به گفته شقاقی شهری، سیاست‌های سنتی بازتوزیعی، زیرداخت‌های نقدی بدون پشتوانه گرفته تا کنترل‌های دستوری قیمت، در چنین شرایطی نه تنها کارایی گذشته را ندارند، بلکه ممکن است نتیجه معکوس داشته باشند.

اوتوضیح می‌دهد که اگر حمایت‌های مالی بدون تأمین منابع پایدار انجام شود، دولت ناچار به پولی‌سازی کسری بودجه خواهد شد و همین مسئله دوباره به افزایش قیمت‌ها و تشدید تورم منجر می‌شود.

این اقتصاددان پیشنهاد می‌کند نظام حمایتی جدید بر چهار محور بنا شود: «هدفمندی حداکثری یا تکیه بر دولت دیجیتال»، «حفاظت از کالاهای عمومی حیاتی»، «بازارایی منابع نامولد داخلی» و «کاهش هزینه‌های مبادله برای توانمندسازی کسب‌وکارهای خرد».

کالابرگ هوشمند به جای پول نقد

نخستین پیشنهاد شقاقی شهری، تغییر مسیر حمایت‌های اجتماعی است؛ به‌گونه‌ای که حمایت‌ها از شکل عمومی و غیرهدفمند خارج شوند و به سمت «کالابرگ الکترونیک هوشمند و مقید» بروند.

او معتقد است با استفاده از زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و جمع‌بع اطلاعات بانکی، مالیاتی و ملکی در سامانه‌های رفاهی می‌توان خطای شناسایی مشمولان را کاهش داد و منابع عمومی را از دهک‌های پردرآمد به سمت پنج دهک پایین جامعه هدایت کرد.

سقف تسهیلات خرید و ودیعه مسکن افزایش یافته و سقف وام خرید خانوادگی در تهران در ۲ میلیارد تومان رسیده است؛ رقمی که در ظاهر می‌تواند بخش مهمی از کمبود نقدینگی متقاضیان را جبران کند، اما در عمل هنوز یک پرسش اساسی بی‌پاسخ مانده است: این وام در برابر قیمت واقعی مسکن و درآمد خانوار، چه میزان قدرت خرید ایجاد می‌کند؟

اهمیت این پرسش زمانی بیشتری شود که برآورد‌های صندوق بین‌المللی پول، تورم ایران در سال ۲۰۲۶ را ۶۸.۹۱ درصد و رشد واقعی اقتصاد را منفی ۵.۴ درصد نشان می‌دهد؛ یعنی سیاست افزایش اعتبار مسکن در اقتصادی اجرامی شود که همزمان با جهش قیمت‌ها و کاهش ظرفیت رشد اقتصادی مواجه است.

جهش سقف تسهیلات در بازار مسکن

بر اساس اعلام علی خورسندیان، مدیرعامل بانک مسکن، سقف تسهیلات خرید مسکن پس از دریافت مجوز بانک مرکزی افزایش یافته است. بر این اساس، متقاضی انفرادی در تهران امکان دریافت ۱۰ میلیارد ریال تسهیلات دارد و سقف وام در مراکز استان‌ها و شهرهای بالای ۲۰۰ هزار نفر به ۸ میلیارد ریال و در سایر مناطق شهری به ۶ میلیارد ریال رسیده است. در تسهیلات خانوادگی، فاصله ارقام بیشتر است؛ سقف وام در تهران به ۲۰ میلیارد ریال، در مراکز استان‌ها و شهرهای بزرگ به ۱۶ میلیارد ریال و در سایر مناطق به ۱۲ میلیارد ریال افزایش یافته است. همزمان سقف جعاله تعمیر مسکن نیز به ۴ میلیارد ریال رسیده و برای مستأجران تهرانی، سقف تسهیلات ودیعه ۴ میلیارد ریال تعیین شده است.

در کنار افزایش سقف‌ها، خانواده‌های دارای فرزند نیز از امتیاز ویژه برخوردار شده‌اند. بر اساس اعلام بانک مسکن، به ازای هر فرزند زیر ۲۰ سال تا سقف چهار فرزند، ۲۵ درصد به سقف تسهیلات خرید و جعاله اضافه می‌شود؛ البته این افزایش مشروط به ضوابط تعیین شده در مقررات است.

عدد بزرگ وام در برابر واقعیت کوچک قدرت خرید

اما مسئله بازار مسکن با رقم اسمی تسهیلات حل نمی‌شود. آنچه قدرت خرید واقعی خانوار را تعیین می‌کند، نسبت مبلغ وام به قیمت ملک و سپس نسبت قسط ماهانه به درآمد خانوار است. صندوق بین‌المللی پول نیز در بررسی بحران استطاعت مسکن، دقیقاً

بر همین رابطه تأکید دارد و معتقد است برای سنجش اینکه یک خانوار واقعاً توان خرید خانه دارد یا خیر، باید قیمت تقریباً سه برابر اصل وام است. تأمین مالی همزمان بررسی شوند. به بیان دیگر، افزایش سقف وام تنها زمانی به افزایش استطاعت منجر می‌شود که رشد اعتبار از رشد قیمت مسکن و کاهش درآمد واقعی خانوار عقب نماند. این موضوع در اقتصاد ایران اهمیت بیشتری دارد؛ چرا که بر اساس آخرین برآورد IMF، نرخ تورم مصرف‌کننده در سال ۲۰۲۶ به ۶۸.۹ درصد می‌رسد و رشد واقعی اقتصاد نیز منفی ۵.۴ درصد پیش‌بینی شده است. در چنین شرایطی، یک میلیارد یا دو میلیارد تومان وام ممکن است از نظر اسمی رقم بزرگی باشد، اما ارزش واقعی آن به سرعت تحت تأثیر تورم کاهش پیدا می‌کند.

۲ میلیارد تومان وام؛ قسط ماهانه چقدر می‌شود؟

در بخش تسهیلات مشمول قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، نرخ سود سالانه ۲۲.۵ درصد و حداکثر دوره بازپرداخت ۱۲ ساله در روش ساده اعلام شده است. اگر صرفاً برای یک برآورد مالی، وام ۲ میلیارد تومانی را با نرخ سالانه ۲۲.۵ درصد و بازپرداخت ۱۲ ساله به روش اقساط مساوی محاسبه کنیم، مبلغ قسط ماهانه حدود ۴۱.۵ میلیون تومان خواهد بود.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: اگر اعتبار کالابرگ افزایش پیدا نکند، به مرور بارش در تورم آن از بین می‌رود؛ اکنون این اعتباری که برای دهک‌های پایین جامعه در نظر گرفته شده ناچیز است و تأثیری روی سفره آنها ندارد.

حاکم ممکن با اشاره به اینکه اعتبار کالا برگ در برابر تورم شکل گرفته ناچیز است گفت: متأسفانه قدرت خرید کالابرگ به شدت تحلیل رفته است. وقتی تورم بالای ۴۰ درصد است، اعتبار فعلی عملاً فقط یک مسکن موقتی است و نمی‌تواند پروتئین و مواد لبنی مورد نیاز یک خانوار ضعیف را تأمین کند. این مبلغ دیگر در سبد واقعی دیده نمی‌شود.

وی افزود: اگر اعتبار کالابرگ افزایش پیدا نکند، به مرور بارش در تورم ارزش آن از بین می‌رود؛ اکنون

گزارش «روزگار» از بهای گزاف رویای خانه دار شدن

مسکن یا کابوس بدهی



در این سناریو، مجموع پرداخت طی ۱۲ سال به حدود ۵.۹۷ میلیارد تومان می‌رسد؛ یعنی مجموع بازپرداخت اسمی تقریباً سه برابر اصل وام است. این محاسبه البته هزینه خرید اوراق و سایر هزینه‌های احتمالی را در نظر نمی‌گیرد و رقم قراردادی نهایی می‌تواند متفاوت باشد، اما همین محاسبه ساده نشان می‌دهد که افزایش سقف وام، همزمان با افزایش تعهد مالی خانوار اتفاق می‌افتد.

هزینه پنهان وام؛ اوراق را نباید فراموش کرد

تسهیلات خرید مسکن از محل اوراق گواهی حق تقدم، یک هزینه دیگر نیز دارد؛ متقاضی برای استفاده از سقف تسهیلات باید اوراق مورد نیاز را تهیه کند.

در نتیجه، هزینه واقعی دریافت وام فقط نرخ سود نیست. متقاضی باید اصل تسهیلات، سود پرداختی و هزینه تأمین اوراق را در کنار یکدیگر ببیند. همین موضوع باعث می‌شود مقایسه ساده «۲ میلیارد تومان وام» با «۲ میلیارد تومان قدرت خرید نقدی» اشتباه باشد؛ زیرا تمام مبلغ اسمی تسهیلات الزاماً به قدرت خرید خالص تبدیل نمی‌شود.

کارشناسان: وام باید با درآمد خانوار سنجیده شود

به گفته کارشناسان، افزایش سقف تسهیلات می‌تواند بخشی از تقاضای سرکوب شده بازار را فعال کند، اما اثر

این اعتباری که برای دهک‌های پایین جامعه در نظر گرفته شده ناچیز است و تأثیری روی سفره آنها ندارد، لذا دولت باید چاره‌اندیشی کند و اعتبار کالا برگ را افزایش دهد. این نماینده مردم در مجلس بیان کرد: دقیقاً همان اندازه با تورم مواد غذایی، باید اعتبار تعدیل شود. پیشنهاد بنده این است که سقف اعتبار برای دهک‌های ضعیف حداقل به گونه‌ای باشد که تنوع کالایی از حبوبات به سمت مرغ و تخم مرغ منجمد گسترش یابد. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس بیان کرد: کالابرگ بدون پشتوانه بحث تورمی، کمکی به امنیت غذایی واقعی نمی‌کند. ما باید تلاش کنیم که کالابرگ تأثیر خود را بر سفره اقشار ضعیف جامعه نشان دهد. مجلس در بودجه سال آینده روی این موضوع ایستادگی خواهد کرد.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس:

اعتبار فعلی کالابرگ در برابر تورم ناچیز است

باید منابع دیگری فراهم کند.

به همین دلیل، کارشناسان معتقدند وام ودیعه را باید بیشتر ابزار مدیریت نقدینگی مستأجران دانست تا راه‌حل نهایی بحران اجاره.

خطر اصلی، انتقال اعتبار به قیمت مسکن

یکی از مهم‌ترین نگرانی‌ها درباره سیاست‌های اعتباری، زمانی شکل می‌گیرد که قدرت خرید ناشی از وام افزایش پیدا کند اما عرضه مسکن متناسب با آن رشد نکند. در چنین شرایطی، بخشی از اعتبار جدید ممکن است به جای آنکه صرف افزایش دسترسی خانوار شود، در افزایش قیمت ملک جذب شود.

مطالعات IMF درباره بازار مسکن نیز نشان می‌دهد محدودیت عرضه می‌تواند اثر سیاست‌های اعتباری را تغییر دهد؛ به این معنا که در بازارهایی با عرضه محدود، افزایش قدرت خرید اعتباری می‌تواند فشار تقاضا و قیمت را افزایش دهد.

بنابراین، افزایش سقف وام زمانی بیشترین اثر را خواهد داشت که همزمان عرضه واحدهای متناسب با قدرت خرید خانوار، به‌ویژه واحدهای کوچک و میان‌رتزاج، افزایش پیدا کند.

معیار واقعی موفقیت چیست؟

برای ارزیابی سیاست جدید، چهار شاخص باید همزمان بررسی شود: رشد سقف وام، رشد قیمت مسکن، رشد درآمد خانوار و سهم قسط از درآمد. اگر وام ۲ میلیارد تومانی افزایش یابد اما قیمت مسکن سریع‌تر رشد کند، قدرت خرید واقعی افزایش چندانی نخواهد داشت. اگر درآمد خانوار همزمان رشد نکند، قسط ۴۱.۵ میلیون تومانی می‌تواند به مانع اصلی تبدیل شود. و اگر عرضه افزایش نیابد، بخشی از تقاضای جدید ممکن است به رشد قیمت‌ها منجر شود.

به همین دلیل، عدد ۲ میلیارد تومان به تنهایی نمی‌تواند نشان دهد سیاست جدید موفق بوده است.

وام بزرگ‌تر، اما خانه هنوز گران است

افزایش سقف تسهیلات مسکن را می‌توان یک گام مهم برای تقویت قدرت خرید اعتباری خانوار دانست؛ اما این سیاست در شرایطی اجرامی شود که اقتصاد ایران با تورم بسیار بالا و رشد اقتصادی منفی مواجه است. سقف وام خانوادگی در تهران به ۲ میلیارد تومان رسیده، اما با نرخ سود ۲۲.۵ درصد دوره بازپرداخت ۱۲ ساله، تعهد مالی سنگینی نیز برای دریافت‌کننده ایجاد می‌کند.

قیمت «یک شانه تخم مرغ، بیشتر از دستمزد روزانه کارگر است

یخچال خانه‌های مزدبگیران خالی است

دوشنبه ۱۶ شهریورماه، چراغ خاموش دوباره تخم مرغ گران شد؛ نرخ فروش تخم مرغ فله درب کارخانه از ۲۰۰ هزار تومان به ۲۲۵ هزار تومان برای هر کیلوگرم افزایش پیدا کرد؛ یعنی نرخ پایه تولید ۱۲.۵ درصد رشد داشت. این افزایش هنوز به یک شکل روی تمام بسته‌های فروشگاه‌های منتقل نشده، اما نشانه روشنی از بالا رفتن فشار هزینه در ابتدای زنجیره است. در بازار مصرف، شانه‌های ۳۰ عددی از حدود ۴۹۶ هزار و ۶۲۲ تومان تا حدود ۶۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. در حالی یک شانه تخم مرغ، البته قبل از اعمال افزایش مجدد قیمت تولیدکننده، ۶۲۰ هزار تومان قیمت خورده که دستمزد روزانه کارگران مشمول قانون کار، فقط ۵۵۴ هزار تومان است؛ قیاس همین دو عدد نشان می‌دهد که پول یک شانه تخم مرغ از دستمزد روزانه کارگر کمتر است؛ یعنی کارگر بعد از ۸ ساعت کار طاقت فرسا در روز، حتی یک شانه ۳۰ تایی تخم مرغ نمی‌تواند خریداری کند! احتمالاً پس از تسری گرانی ۱۲.۵ درصدی قیمت درب کارخانه‌ی تخم مرغ به بازار مصرف، قیمت هر شانه تخم مرغ به ۷۰۰ یا حتی ۸۰۰ هزار تومان خواهد رسید، یعنی به اندازه حقوق ۱.۵ روز یک کارگر حداقل بگیرا و زندگی کارگر فقط تخم مرغ نیست؛ همه کالاهای خوراکی در بازه سه‌ساله منتهی به تیر و مرداد امسال بیش از ۱۰۰ درصد افزایش قیمت داشته‌اند (داده‌های مرکز آمار هم تورم نقطه به نقطه خوراکی‌ها را بیش از ۱۲۰ درصد اعلام کرده است) در یکی دو هفته اخیر نیز با صعود بی‌امان نرخ دلار به بالای ۲۲۰ هزار تومان، یک موج خرنده‌ی گرانی، قیمت اقلام ساده‌ی سفره‌ها را یک پله بالاتر برده است. با افزایش قیمت سوم بنزین که از امروز صبح اجرایی شده، احتمالاً لایک‌های تکانه‌ی تورمی جدید در بازار کالاهای اساسی اتفاق خواهد افتاد. مشاهدات عینی ما نشان می‌دهد قیمت نان بربری کنجدی که قبل از شهریورماه در مرکز تهران ۱۵ هزار تومان بود، در روزهای میانه شهریور به ۲۵ هزار تومان رسیده است؛ در واقع ۳۵ هزار تومان برای خرید یک قرص نان بربری لازم است! قیمت تخم مرغ نیز به شدت نجومی ست و احتمالاً نجومی‌تر هم می‌شود؛ بنابراین نان و تخم مرغ، یک غذای به شدت لاکچری برای کارگری ست که حدود ۲۰ میلیون تومان حقوق می‌گیرد و مجبور است یک ماه تمام، با همین پول ناچیز روزگار بگذراند. این شرایط، چیزی جز ایجاد قطعی در زندگی کارگران و مزدبگیران نیست. در بازار، «کالاهای خوراکی» به وفور هست اما این اقلام ساده، از چنان شأن و ارزشی برخوردارند که پای سفره‌های مردم نمی‌نشینند.

مسئله «وجود کالا» نیست!

«خسرو زنجیری» فعال صنفی بازنشستگان کارگری می‌گوید: قطعی فقط این نیست که کالا در فروشگاه‌ها و بازار نباشد، گاهی کالا هست، اما مردم قدرت خرید آن را ندارند؛ امروز برای بخش بزرگی از جامعه، عملاً غذا و دارو در دسترس نیست؛ وقتی قیمت یک شانه تخم مرغ، مبلغی بیش از دستمزد روزانه یک کارگر است، گفتن اینکه «کالا به وفور هست» به نوعی به سفره گرفتن اجتماع است. در قطعی سنتی، کالا نبود و مردم نمی‌توانستند چیزی بخرند؛ در «قطعی نوین» کالا هست، اما قیمت آن به حدی رسیده که مردم توان خرید ندارند. او ادامه داد: پس مسئله فقط «وجود کالا» نیست، مهم‌تر از وجود کالا، قدرت خرید مردم و امکان دسترسی واقعی به کالاهاست. با ماهانه ۱۶ تا ۲۰ میلیون تومان چه اندازه می‌توان خرید کرد؟ آیا مسئولان و مقامات حاکمیت یکبار از خود پرسیده‌اند چرا تعداد تراکش‌های بانکی ماهانه‌ی مردم ۱۳ میلیون کمتر شده و اکثر تراکش‌ها زیر ۶۰۰ هزار تومان است! زنجیری می‌افزاید: قطعی را فقط با موجودی انبارها نمی‌سنجند، قدرت خرید مردم هم بخشی از چرخه‌ی دسترسی به کالا است؛ مسئولان باید «امنیت غذایی مردم» را تأمین کنند اما در عوض با تصمیمات غلط انقباضی و نئولیبرالی، فرودستان و طبقه‌ی متوسط را هر روز بیشتر در چار محرومیت می‌سازند. امروز «مزدبگیران» توان دسترسی به کالاهایی را ندارند که در قفسه‌های فروشگاه‌ها به وفور یافت می‌شود؛ پولی برای خرید در جیب‌های مردم نیست.

به مناسبت روز جهانی باسادی بررسی شد؛

هوش مصنوعی؛ سواد نسل جدید یا پایان فکر کردن

دبیر و مدرس کنکور در استان قزوین با اشاره به تغییر مفهوم باسادی در عصر فناوری و ورود هوش مصنوعی به فرایند آموزش، گفت: اگر دانش آموز به جای استفاده از هوش مصنوعی برای تعمیق یادگیری، حل مساله و پرسشگری به دریافت پاسخ های آماده بسنده کند، این فناوری به جای افزایش سواد، قدرت تفکر و تحلیل نسل آینده را تضعیف خواهد کرد. مریم قاسمی به مناسبت روز جهانی باسادی اظهار کرد: مفهوم باسادی در طول دهه های گذشته، همگام با تغییرات اجتماعی، آموزشی و فناوری، دستخوش تحولات جدی شده است. وی اضافه کرد: روزگاری توانایی خواندن و نوشتن، داشتن سواد قرآنی و حتی مهارت کار با چرتکه نشانه باسواد بودن بود، سپس مدارکی مانند سیکل و دیپلم به معیارهای مهم آموزشی تبدیل شدند و در ادامه، ورود به دانشگاه و کسب مدارک دانشگاهی، تعریف رایج تری از باسادی ارایه داد و با ورود رایانه به زندگی روزمره، سواد دیجیتال و مهارت هایی مانند ICDL (کار با رایانه) نیز به این تعریف اضافه شد. قاسمی ادامه داد: امروز، در کنار تحصیلات دانشگاهی، آشنایی با فناوری اطلاعات، اقتصاد دیجیتال و ابزارهایی مانند هوش مصنوعی به بخشی از مهارت های مورد نیاز انسان معاصر تبدیل شده است اما با این حال، در این میان یک تناقض قابل تامل وجود دارد که چرا با وجود افزایش سطح تحصیلات و گسترش ابزارهای آموزشی، هنوز بسیاری معتقدند دیپلمه های قدیم یا تحصیل کردگان نسل های گذشته از نظر عمق دانش، مطالعه و قدرت تحلیل باسوادتر بودند. به گفته این مدرس آموزش، امروز باید از خودمان پرسیم آیا ممکن است ناآشنایی با هوش مصنوعی را نشانه ای از عقب ماندگی بدانیم و استفاده افراطی از همین فناوری به کاهش قدرت تفکر و خلاقیت نسل جدید منجر شود؟ قاسمی، با اشاره به تغییر مفهوم باسادی در طول دهه های گذشته، گفت: اگر کسی به گذشته برگردیم، متوجه می شویم که مفهوم باسواد بودن در جامعه ما همیشه یک تعریف ثابت نداشته و متناسب با نیازهای هر دوره تغییر کرده است.

تقاضی که درباره باسواد بودن نسل های گذشته وجود دارد

این مدرس کنکور با اشاره به یک تناقض قابل تامل در نگاه جامعه به مفهوم سواد، بیان کرد: یک فرد تحصیل کرده نسل های گذشته، به وجود اینکه شاید مدرک دانشگاهی بالایی نداشته باشد ولی از نظر اطلاعات عمومی، قدرت تحلیل، مطالعه و حتی توانایی صحبت کردن و استدلال، باسوادتر از بعضی افراد دارای مدارک دانشگاهی امروز می باشد و اینجا است که افزایش سطح تحصیلات لزوماً به معنای افزایش سواد نخواهد بود. وی با تفاوت گذاشتن به بین بهره هوشی (IQ) و هوش هیجانی (EQ)، تصریح کرد: مدرک تحصیلی یکی از شاخص های آموزش است اما سواد مفهوم بسیار گسترده تری دارد و ممکن است فردی مدرک بالایی داشته باشد اما در زندگی اجتماعی، رسانه ای، اقتصادی یا دیجیتال نتواند تصمیم درستی بگیرد و در مقابل، چرا که ما از یک طرف مدرک دانشگاهی بالایی نداشته باشد اما قدرت تحلیل، مطالعه، تجربه و درک اجتماعی بسیار خوبی دارد. قاسمی، همچنین به ظهور هوش مصنوعی و ورود و نقش پررنگ آن در حوزه آموزش اشاره کرد و یادآور شد: امروز دنیا با یک پدیده نو ظهور مواجه شده که نقش پررنگی در تمام حوزه ها به خصوص آموزش ایفا می کند؛ تا جایی که عده ای معتقدند کسی که کار با هوش مصنوعی را بلد نباشد از دنیای امروز عقب مانده و به نوعی بی سواد محسوب می شود که شاید این نگاه کمی اغراق آمیز باشد اما واقعیت این است که آشنایی با هوش مصنوعی به تدریج در حال تبدیل شدن به یکی از مهارت های مهم زندگی و کار است. وی در ادامه نسبت به یک خطری مهم هشدار داد و گفت: مادر در مواجهه با این پدیده در یک دوگانه ای جدی قرار داریم و این مشکل را می توان مهم ترین معضل ورود این ابزار به حوزه آموزش دانست؛ چرا که ما از یک طرف می گوئیم اگر دانش آموز هوش مصنوعی را بلد نباشد، از دنیای جدید عقب مانده و از طرف دیگر، اگر بیش از اندازه به هوش مصنوعی وابسته شود، ممکن است خودش کمتر فکر کند. مدرس آموزش در استان قزوین ادامه داد: ما باید ابتدا به دانش آموز یاد بدهیم که هوش مصنوعی چیست، چه کاربردهایی دارد و پاسخ درست را چگونه از پاسخ نادرست تشخیص دهد تا بتواند از این فناوری برای یادگیری استفاده کند؛ بنابراین همان طور که زمانی سواد خواندن و نوشتن اهمیت داشت و بعد ها سواد کامپیوتری و دیجیتال مطرح شد، امروز هم سواد هوش مصنوعی مطرح است.

در یکی از سفرهای شهری، سوار یک تاکسی برقی شدم و در جریان گفت وگو با راننده، صحبت به وضعیت شارژ خودرو رسید. راننده از شرایط جایگاه های شارژ رضایت چندانی نداشت و می گفت برای هر بار شارژ باید حدود ۷ تا ۸ ساعت منتظر بماند؛ زمانی که برای یک راننده تاکسی که درآمدش به میزان فعالیت روزانه وابسته است، قابل توجه است. این راننده همچنین از هزینه شارژ خودرو با برق منزل گلایه داشت و معتقد بود شارژ خانگی هزینه زیادی برایش ایجاد می کند. همین گفت وگو ی کوتاه، این پرسش را مطرح می کند که آیا زیرساخت شارژ تهران به اندازه ورود تاکسی های برقی توسعه پیدا کرده است؟

تاکسی برقی: یک انتخاب برای کاهش آلودگی

تاکسی های برقی در صورت استفاده از برق تولید شده از منابع کم آلاینده، ظرفیت قابل توجهی برای کاهش انتشار آلاینده ها در شهر دارند. حذف آلایندهی مستقیم آگروز، کاهش صدای خودرو و کاهش وابستگی به بنزین از مهم ترین مزایایی است که برای توسعه حمل و نقل برقی مطرح می شود. از سوی دیگر، خودروهای برقی ساختار فنی متفاوتی نسبت به خودروهای بنزینی دارند و موتور برقی قطعات متحرک کمتری دارد؛ موضوعی که می تواند در بلندمدت به کاهش بخشی از هزینه های نگهداری و تعمیرات منجر شود. اما برای تاکسی، یک تفاوت اساسی وجود دارد؛ این خودرو برخلاف خودروی شخصی، بخش بزرگی از روز را در حال فعالیت است و هر توقف طولانی می تواند به معنای کاهش زمان کار و درآمد راننده باشد.

جایگاه های شارژ در حال افزایش هستند

با وجود گلایه هایی که از سوی برخی رانندگان مطرح می شود، زیرساخت شارژ خودروهای برقی تهران نیز در حال توسعه است. بر اساس گزارش های منتشر شده، در اردیبهشت امسال تعداد شارژرهای سریع ناوگان برقی تهران به ۱۴۶ دستگاه رسیده بود. همچنین در مردادماه، ایستگاه شارژ پایانه قطریه به بهره برداری رسید. این ایستگاه دارای چهار شارژر سریع ۱۲۰ کیلوواتی و هشت

رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی خبر داد؛

آموزش هوش مصنوعی به یک میلیون دانش آموز مدارس غیردولتی

رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی و توسعه مشارکت های مردمی، از اجرای طرح ملی آموزش هوش مصنوعی برای حدود یک میلیون دانش آموز و ۲۱۰ هزار معلم مدارس غیردولتی خبر داد. احمد محمودزاده، رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی در یکصد و هفتاد و هفتمین جلسه «شورای راهبری، برنامه ریزی و نظارت مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی»، بر اهمیت نقش مدارس و مراکز غیردولتی در تحقق اهداف نظام تعلیم و تربیت کشور تأکید کرد. وی با اشاره به ضرورت هم سویی کامل میان سازمان مدارس غیردولتی و سیاست های کلان وزارت آموزش و پرورش، بر این نکته تأکید نمود که سازمان همواره در مسیر اجرای دقیق دستورالعمل های ابلاغی و

«روزگار» دغدغه رانندگان از برقی سازی تاکسی ها را بررسی کرد

از بنزین به برق



شارژ، مدت زمان اشغال هر شارژر و تعداد خودروهای مراجعه کننده نیز در ظرفیت واقعی شبکه تأثیرگذار است.

پایانه بعثت چه ظرفیتی دارد؟

در کنار ایستگاه های جدید، پایانه بعثت نیز از دیگر نقاط مورد استفاده برای شارژ ناوگان برقی است و بر اساس اعلام روابط عمومی تاکسی رانی، ظرفیت شارژ بیش از ۹۰۰ تاکسی در شبانه روز را دارد. این ظرفیت ها در شرایطی مطرح می شود که تعداد تاکسی های برقی در تهران در حال افزایش است و در نتیجه، مدیریت ظرفیت جایگاه ها اهمیت بیشتری پیدا می کند.

تاکسی های برقی؛ مسیر سبز با توقف طولانی

در همین راستا، موضوع تعداد جایگاه های فعال، ظرفیت شارژ، محل استقرار جایگاه ها، هزینه شارژ، وضعیت استفاده از شارژرهای اتوبوسرانی و برنامه توسعه زیرساخت شارژ تاکسی های برقی را از مسئولان مربوطه پیگیری کردیم. اکبر اختیاری مدیرعامل شرکت کنترل ترافیک تهران افزود: اکنون ایستگاه های شارژ برچ میلاد، بعثت، تقی آباد، پایانه شرق جدید، قورخانه، هنگام شمالی، کیان شهر،



هزینه واقعی هر بار شارژ، میزان پیمایش خودرو و حمایت های احتمالی از رانندگان اهمیت پیدا می کند.

آیا خودروهای برقی برای راننده صرفه اقتصادی دارند؟

برای بررسی اقتصادی تاکسی برقی نمی توان فقط قیمت خودرو یا هزینه بنزین را مقایسه کرد. باید مجموعه ای از هزینه ها در کنار یکدیگر قرار بگیرد؛ از جمله هزینه برق، زمان صرف شده برای شارژ، روزانه و درآمد از دست رفته در زمان توقف. به عبارت دیگر، اگر خودروی برقی هزینه انرژی کمتری داشته باشد اما راننده مجبور شود چند ساعت از روز را در صف شارژ بگذراند، بخشی از این صرفه جویی ممکن است از طریق کاهش زمان فعالیت جبران شود. بنابراین یکی از مهم ترین شاخص ها برای ارزیابی موفقیت طرح، میزان رضایت و صرفه اقتصادی آن برای راننده است.

مسئله فقط تعداد خودرو نیست

برقی سازی ناوگان حمل و نقل عمومی را نمی توان تنها با تعداد خودروهای تحویل شده سنجید. یک زنجیره کامل باید همزمان توسعه پیدا کند؛ خودرو، جایگاه شارژ، شبکه برق، دسترسی راننده، سرعت شارژ و مدل اقتصادی استفاده از خودرو. هرچه تعداد تاکسی های برقی افزایش یابد، نیاز به جایگاه های بیشتر و البته شارژرهای سریع تر نیز افزایش می یابد. از سوی دیگر، پراکندگی جایگاه ها در سطح شهر نیز راهمیت دارد. جایگاهی که ظرفیت بالایی دارد اما از مسیرهای اصلی فعالیت تاکسی ها فاصله زیادی دارد، الزاماً برای همه رانندگان قابل استفاده نیست. در نهایت، تاکسی برقی می تواند یکی از راهکارهای کاهش آلودگی هوای تهران و نوسازی ناوگان حمل و نقل عمومی باشد، اما موفقیت این طرح فقط به ورود خودروهای جدید وابسته نیست. برای راننده، خودروی برقی زمانی می تواند به یک انتخاب موفق تبدیل شود که شارژ آن سریع، در دسترس و از نظر اقتصادی قابل قبول باشد؛ چرا که در تاکسی رانی، هر ساعت توقف، تنها یک زمان انتظار نیست، بلکه می تواند بخشی از زمان کاری و درآمد راننده باشد.

آسیب های پنهان تماشای تلویزیون سر سفره

یک روانشناس با تأکید بر همه گیر شدن عادت غذا خوردن جلوی تلویزیون، آن را بازتابی از تغییر بنیادین در سبک زندگی دانست که می تواند به عنوان مکانیسمی برای فرار از تعارض های خاموش خانوادگی عمل کرده و مصمیمیت میان افراد خانواده را فرسایش دهد. نرگس حسینی نیا با تأکید بر همه گیر شدن عادت غذا خوردن جلوی تلویزیون در سال های اخیر، گفت: این رفتار را نباید صرفاً یک عادت ساده غذایی دانست؛ بلکه بازتابی از تغییر بنیادین در سبک زندگی خانواده هاست. در دنیای پرمشغله امروز اعضای خانواده زمان کمتری را کنار هم می گذرانند و تلویزیون به بخش جدایی ناپذیری از اوقات فراغت و استراحت روزانه تبدیل شده است؛ همین موضوع باعث ادغام زمان صرف غذا با تماشای برنامه ها می شود. وی در ادامه اظهار کرد: تلویزیون به دلیل محرک جذاب و پیوسته، توجه افراد را به خود جلب می کند به همین دلیل فرد تصور می کند تماشای تلویزیون، تجربه صرف غذا را لذت بخش تر و راحت تر می کند. این روانشناس هشدار داد: مساله زمانی بحرانی می شود که این رفتار از یک انتخاب با به گاه به یک الگوی رفتاری ثابت تبدیل شود؛ یعنی اعضای خانواده بدون استئنا صرف غذا را با روشن بودن تلویزیون گره بزنند. حسینی نیا با اشاره به اینکه روشن بودن تلویزیون هنگام صرف غذا می تواند نوعی «مکانیسم فرار» از تعارض های خاموش خانوادگی باشد، اظهار کرد: نمی توان این موضوع را به همه خانواده ها تعمیم داد؛ اما در خانواده هایی که گفت وگو دشوار است یا تعارض های حل نشده دارند یا اعضا از مواجهه با یکدیگر اجتناب می کنند، تلویزیون می تواند به یک راهکار یا مکانیسم تبدیل شود. این روانشناس افزود: وقتی اعضاء عمداً از برقراری ارتباط با یکدیگر اجتناب می کنند، فرصت حل مساله و ترمیم روابط نیز کاهش می یابد، بنابراین برای تشخیص اینکه آیا تلویزیون صرفاً یک عادت است یا یک مکانیسم فرار، باید به الگوی کلی ارتباطی خانواده توجه کرد نه فقط به روشن بودن تلویزیون. وی تصریح کرد: اگر تماشای تلویزیون به شکل دائم جایگزین تعاملات میان فردی شود، مهم ترین آسیب از دست رفتن فرصت های تلاایی برای ارتباط های روزمره است. وقتی توجه اعضاء دائماً معطوف به تلویزیون باشد، این تبادل های ظریف کم رنگ می شود.

تغییر پارادایم در سلامت روان؛

پیشگیری از خودکشی سرمایه گذاری بر بقاست

در آستانه ۱۰ سپتامبر «روز جهانی پیشگیری از خودکشی»، معاونت دانشجویی فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی تهران میزان نشست تخصصی «خودکشی؛ از سکوت تا اقدام» بود؛ نشستی که از همان عنوان، پیام اصلی علمی، چندلایه و مبتنی بر شواهد، شاید مهم ترین پیام فنی نشست، تغییر زاویه دید از «علت فردی» به «نظام علی» بود. در بسیاری از گفتارهای تخصصی این گونه نشست ها، یک خطای مزمن وجود دارد: فروگذاشتن خودکشی به اختلال فردی، ضعف شخصیت یا بحران های لحظه ای، اما جمع بندی سخنرانی ها و پنل ها نشان می داد که خودکشی، به ویژه در جمعیت های دانشجویان سلامت و دانشجویان علوم پزشکی معمولاً محصول برهم کنش چند سطحی عوامل خطر است: * فشارهای تحصیلی و شغلی مزمن * فرسودگی عاطفی و شناختی * اختلال در خواب و بازیابی روانی * انزوای اجتماعی و فرسایش شبکه حمایت * انگ زدایی ناکافی از مراجعه به خدمات سلامت روان * دسترسی به وسایل کشنده * ضعف نظام های غربالگری، ارجاع و مداخله به هنگام، به بیان دقیق تر، خودکشی در این سطح، بیش از آن که فقط یک رویداد بالینی باشد، نشانگر شکست لایه های حفاظتی سازمان است؛ یعنی جایی که دانشگاه، خانواده، نظام سلامت، محیط کار و رسانه هم زمان باید کارکرد پیشگیرانه داشته باشند، اما در عمل هر یک بخشی از مسئولیت را به دیگری واگذار می کنند.

دانشگاه: از محل آموزش به کانون پیشگیری

یکی از محورهای برجسته نشست، نقش دانشگاه به عنوان «نقطه آغاز مداخله» بود، نه فقط محل خداد بحران. این نگاه، از منظر سیاست گذاری سلامت، بسیار مهم است. دانشگاه، به ویژه دانشگاه های علوم پزشکی، فقط یک نهاد آموزشی نیست؛ بلکه محطی است که در آن، الگوهای فشرده ای از فشار روانی، رقابت، بی خوابی، مسئولیت بالینی و مواجهه با رنج انسانی در هم می تنند.

سکستن سکوت: از انگ تا دسترسی

عنوان نشست، «از سکوت تا اقدام»، دقیقاً بر بحرانی ترین مانع در مداخله تأکید می کند: سکوت. سکوت در اینجا فقط امتناع از صحبت کردن نیست؛ بلکه مجموعه ای از سازوکارهاست که فرد در معرض خطر برجسب خوردن * ترس از افشای مشکل روانی * ترس از اثر بر آینده تحصیلی یا حرفه ای * نادیده انگاری نشانه ها توسط اطرافیان * و گاهی حتی ناتوانی خود فرد در نام گذاری رنج خویش. از این منظر، پنل های نشست به درستی بر این نکته تأکید داشتند که سکوت روان زمانی قابل حفاظت است که کمک خواستار به نشانه ضعف تلقی نشود. هر نظامی که مراجعه به مشاوره را به معنای «آسیب به اعتبار» یا «تهدید صلاحیت» تلقی کند، عملاً افراد را به سمت پنهان کاری و انباشت بحران سوق می دهد. گرچه موضوع نشست عام و دانشگاهی بود، اما از خلال مباحث مطرح شده روشن بود که یکی از جمعیت های پرخطر، دانشجویان علوم پزشکی، دستیاران تخصصی و نیروهای بالینی برون هستند. دلیل آن نیز روشن است: «شکبک های طولانی - اختلال خواب - بار عاطفی مواجهه با مرگ و رنج - رقابت شدید آموزشی - ناامنی آینده شغلی - فشارهای اقتصادی و فرهنگ تاب آوری اجباری در این گروه ها، خودکشی اغلب پایان یک بحران ناگهانی نیست، بلکه نتیجه فرسایش تدریجی توان روانی است. به همین علت، پنل های علمی نشست بر ضرورت عبور از مداخلات مناسبتی و حرکت به سوی ساماندهی های پیش مستمر سلامت روان تأکید داشتند.

نقش مدیران، استادان و نهادهای دانشجویی

یکی از نقاط قوت نشست، چندصدایی بودن آن بود. حضور رئیس دانشگاه، معاونان آموزشی و دانشجویی فرهنگی، مدیرکل دانشجویی وزارت بهداشت، مدیران برخی گروه های آموزشی و اساتید بالینی، صاحب نظران روانشناسی و روان پزشکی، رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، کارشناسان و کادر درمان و فعالان حوزه دانشجویی نشان داد که پیشگیری از خودکشی، موضوع یک اداره یا یک مرکز مشاوره به تنهایی نیست.

چهارشنبه ۱۸ شهریور ۱۴۰۵ شماره پیاپی ۳۲۵۰	www.roozgarpress.ir	۲۷ ربیع الاول ۱۴۴۷ ۹ سپتامبر ۲۰۲۶
< صاحب امتیاز و مدیرمسئول: وحید ملک	< زائر نظر شورای سردبیری	< عضو تعاونی مطبوعات کشور
< اقتصاد و گوناگون: بهاره یوسفی	< ادیس: تهران - بلوار شهران - نبش خیابان قدس - پلاک ۲ - ساختمان افرا - طبقه ۴ - واحد ۴۵	< سیاست: بصیرت جعفری
< کدپستی: ۱۴۷۴۹۳۱۹۷۴	< تلفن: ۴۴۳۲۷۹۱۵ - ۴۴۳۲۴۶۸۵ - ۴۴۳۲۷۴۸۳	< لیونگرافی و چاپ: شاخه سبز ۰۲۵۳۳۴۴۴۲۵۷
		< دفتر تبریز: میدان پیشقدم- خ عطار نیشابوری جنوبی- کوی یاسمن- پ ۱

 	اندیشه
---	--------

از سواد الفبایی تا سواد دینی؛
جامعه امروز
به کدامین فهم نیاز دارد؟

سیده فاطمه سادات کبابی/ گروه‌اندیشه
آینده هر تمدنی در گرو سواد مردم آن است. روزگاری سواد، به معنای خواندن و نوشتن بود و سواد دینی غالباً در روخوانی و روان خوانی متون دینی خلاصه می‌شد؛ به‌طوری‌که معیار سواد قرآنی، توانایی تلاوت بدون غلط بود. اما این تعریف، دین را به متنی تقلیل می‌دهد که باید آن را «درست خوانند»، نه پیامی که باید آن را «درست فهمید». تفاوت این دو رویکرد، تفاوت میان «سواد خواندن» و «سواد فهمیدن» است. امروز که سواد خواندن و نوشتن دیگر یک امتیاز نیست و به لطف فضای مجازی، کتاب‌ها، تفاسیر و ترجمه‌های روان از قرآن و حدیث در دسترس همگان قرار گرفته‌است، گویی تشنگی ای عمیق‌تر در میان است؛ تشنگی برای فهمیدن آنچه می‌خوانیم. در این خصوص باحجت الاسلام محمد مهدی کمالی به گفت‌وگو نشستیم تا از منظر ایشان، وضعیت سواد دینی و ارتباط آن با تفکر دینی در جامعه را واکاوی کنیم.
با وجود اینکه امروزه به لطف فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، متون دینی، تفاسیر و ترجمه‌های روان از قرآن و حدیث در دسترس همگان قرار گرفته‌است، اما گویی تشنگی عمیق‌تری برای فهمیدن در میان است. وضعیت سواد دینی امروز جامعه ما را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
جامعه امروز ایران باید پدیده‌ای روبه‌روست که ریشه‌اش نه از کمبود اطلاعات، که از «بحران فهم» ناشی می‌شود. گروهی از مردم، با وجود آشنایی با ظواهر دین، رغبتی به آن نشان نمی‌دهند. در ظاهر، پوشش و رفتارشان، گاه فاصله‌ای آشکار با دستورات دینی دیده می‌شود. اما این بی‌رغبتی، ریشه در ناآشنایی ندارد؛ ریشه در نوعی فهم ناقص و گاه وارونه دارد. خیال می‌کنند دین آمده‌است تا نقض تنگ محدودیت بر جانشان بگذارد. خیال می‌کنند دین دشمن لذت است. غافل از اینکه دین آمده‌است تا لذت برتر را به آن‌ها هدیه کند و کرامت گم‌شده‌شان را بازگرداند.

اگر سواد الفبایی و توانایی روخوانی متون، معیار نهایی نیست، پس منظور شما از «سواد دینی راستین» چیست و چه تعریفی از آن دارید؟

آورنده این دین، پیامبری اُمّی بود. پیامبری که به ظاهر سواد الفبایی نداشت، اما بدون شک عمیق‌ترین و کامل‌ترین فهم ممکن از حقیقت دین از آن او بود. این تناقض ظاهری، ما را به بازتعریف «سواد دینی» فرا می‌خواند. سواد دینی راستین، سواد خواندن خطوط نیست؛ سواد فهم گوهر و حقیقت دین است. گوهری که در وادی همه دستورات و احکام، درخششی ناب دارد و آن، «معرفت خدا» و «عشق به او»ست.

روایت مشهور «هَلْ الذِّیْنُ إِلَّا الْخُبُ» و تفسیر «عبعبدون» به «لِعرفون» در آیه شریفه «وَمَا خَلَقْتُ الذِّیْنَ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات، ۵۶)، هر دو به این حقیقت اشاره دارند که غایت نهایی دین، چیزی نیست جز شناخت خداوند و عاشقانه زیستن در حریم او. دین برای آن فرستاده شد که انسان سرگشته و غرق‌شده در خواب غفلت را به اصل خویش بازگرداند و نی بریده از نیستان را به وصلان ییستان رساند. چنان‌که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدًّا حَافِلًا قِيًّا» (انشقاق، ۶۶)؛ ای انسان تو با رنج و تلاش به سوی پروردگارت می‌روی و اوارا ملاقات خواهی کرد. این ملاقات، همان غایتی است که دین برای آن آمده‌است؛ همان‌طور که مولانای فرماید: هرکسی‌کو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش

برای دستیابی به یک تفکر دینی که بتوانیم خود را مسلمان بدانیم، باید چه ابعدادی از دین را بشناسیم و این ابعاد چگونه با کرامت انسانی پیوند می‌خورند؟

دین اسلام، چونان درختی تناور، سه شاخه‌ی اصلی دارد. نخست «اعتقادات» و در رأس آن باور به توحید که ریشه‌های باور را در عمق جان آدمی استوار می‌سازد. دوم «اخلاقیات» که میوه‌ی آن باور هاست؛ صفاتی که انسان را به زیور الهی می‌آراید. و سوم «احکام» که شاخ و برگ این درخت تناورند، دستوراتی که هر چند در ظاهر، محدودیت‌هایی برای لذت‌های جسمانی به نظر می‌آیند، در حقیقت، مرزهایی برای صیانت از کرامت انسانی‌اند.

دریچه سلامت

یک مطالعه جدید می‌گوید هورمون درمانی ممکن است خطر ابتلا به زوال عقل را در زنان پس از یائسگی کاهش دهد.
محققان گزارش دادند زنانی که هورمون درمانی دریافت کرده‌اند، ۱۶ درصد کمتر در معرض خطر ابتلا به بیماری آلزایمر قرار دارند.
محققان گفتند که این مزایا برای زنانی که در نتیجه جراحی یائسه شده‌اند، بیشترین میزان را داشته است- آنها ۲۶ درصد کمتر در معرض خطر ابتلا به هر نوع زوال عقل قرار دارند.
«آن-ماری مینهپین»، محقق ارشد و مدیر موسسه پیری سالم نورویچ در دانشگاه ایست آنجلیا در بریتانیا، در یک نشست خبری گفت: «ما دریافتیم زنانی که از هورمون درمانی استفاده کرده‌اند، حدود ۱۰ درصد کمتر در معرض ابتلا به زوال عقل و ۱۶ درصد کمتر در معرض ابتلا به آلزایمر هستند.»

عکس روز



شهر پلکانی خور در دامنه‌های بینالود

رسانه

کتابخانه

هورمون درمانی خطر زوال عقل را در زنان کاهش می دهد

برای این مطالعه جدید، محققان بیش از ۱۸۰ هزار زن یائسه شرکت‌کننده در بیوپانک بریتانیا، یک پروژه تحقیقاتی سلامت بلندمدت در بریتانیا، را به طور متوسط ۱۳ سال پیگیری کردند.
در طول این مدت، تقریباً ۴۰۰۰ نفر از این زنان به زوال عقل مبتلا شدند.
نتایج نشان داد که استفاده از هورمون درمانی حداقل به مدت یک سال، خطر ابتلا به زوال عقل و آلزایمر را در زنان کاهش می‌دهد.
مینهپین گفت: «ما دریافتیم که هورمون درمانی به ویژه برای زنانی که یائسگی ناشی از جراحی را پشت سر گذاشته‌اند، به عنوان مثال پس از برداشتن تخمدان هایشان، مفیداست. در این گروه، کسانی که از هورمون درمانی استفاده می‌کردند، حدود ۲۶ درصد کمتر از زنانی که از آن استفاده نمی‌کردند، به زوال عقل مبتلا شدند.»



تغییر معیارهای تولید محتوا

نشان دادن «همه چیز» برای وایرال شدن



است: تغییریی که طی سال های اخیر در فرهنگ بلاگری دیده ایم. حالا دیگر یکی از برگ های پرنده بلاگرها «واقعی بودن» است. مخاطب دیگر فقط قرار نیست عکس های مرتب، خانه های بی نقص و ولاچری و لحظه های خوش را ببیند. قرار است پشت صحنه را هم ببیند؛ دعوا، گریه، بیماری، رابطه خانوادگی، مشکلات شخصی و هر چیزی که صفحه را از یک ویترین ساده دور کند و به زندگی واقعی نزدیک تر نشان دهد. اما مشکل از جایی شروع می شود که واقعی بودن، کم کم با نشان دادن «همه چیز» اشتباه گرفته می شود.

در این فضا، هرچه مخاطب بیشتر به زندگی خصوصی بلاگر راه پیدا کند، احساس صمیمیت بیشتری شکل می گیرد. انگار بلاگر دیگر فقط کسی نیست که برای ما محتوا تولید می کند؛ کسی است که به خانه اش سر می زنیم، خانواده اش را می شناسیم، از حال و پچه هایش خبر داریم و در جریان اتفاقات خصوصی زندگی اش قرار می گیریم. همین نزدیکی هم می تواند یک جامرزه های معمول را جابه جا کند.

چند وقت دیگر قرار است چه چیزی را نشانمان بدهید؟!

بخش دیگری از ماجرا اما به خود مخاطب برمی گردد. شبکه های اجتماعی با جلب توجه کار می کنند و تولیدکننده محتوا هم برای دیده شدن، مدام به چیزی نیاز دارد که مخاطب را چند دقیقه بیشتر پای محتوا نگه دارد. چیزی که چند سال پیش برای مخاطب تازه بود، بعد از مدتی تکراری می شود. نمایش خانه و خانواده عادی می شود، نشان دادن مشکلات شخصی هم به مرور عادی می شود و حتی بعضی از خصوصی ترین اتفاقات زندگی هم کم کم از حالت استثنا خارج می شوند. در چنین شرایطی، عجیب تر شدن محتوای می تواند به راهی برای دوباره دیده شدن تبدیل شود. اگر یک بار واکنش همسر و خانواده جذاب بوده، بار بعد شاید لازم باشد اتفاق دیگری به آن اضافه شود. اگر نشان دادن نتیجه بیبی چک قیلا مخاطب را غافلگیر می کرد، این بار خود انجام تست می تواند به سوزه تبدیل شود. برای همین است که ما جرای اخیر را نمی شود فقط به یک بلاگر و یک ویدیو محدود کرد. این صحنه محصول فرهنگی است که در آن،

روزنامه اقتصادی صبح ایران

روزگار

 	فرهنگ عمومی
---	-------------

چرافرهنگ «ب ساز بنداز»

بر «دقت در عمل» غلبه کرده است؟

سیناسالگر/ گروه فرهنگ

وقتی از ضعف کیفیت برخی تولیدات داخلی سخن می‌گوییم، نخستین واکنش ممکن است متوجه کارگر، مهندس یا مدیر کارخانه باشد. اما مساله عمیق تر از این‌ها است. کیفیت محصول، حاصل مجموعه‌ای از انگیزه‌ها، آموزش‌ها، استانداردها، نظام مدیریتی، رقابت، دستمزد، امنیت شغلی و حتی نوع نگاه جامعه به «کار خوب» است. اگر در یک محیط اقتصادی، تحویل سریع پروژه مهم‌تر از دوام آن باشد، اگر مشتری امکان انتخاب محدودی داشته باشد، اگر تولیدکننده بابت کیفیت پایین، هزینه قابل توجهی نپردازد و اگر نیروی متخصص احساس کند مهارت و دقت او تفاوت چندانی در درآمد و جایگاهش ایجاد نمی‌کند، به تدریج کیفیت از یک ارزش حرفه‌ای به یک شعار تبدیل می‌شود.

این مساله در شرایط اقتصادی کنونی کشورمان اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در سالی که تقویت تولید و افزایش تاب‌آوری اقتصادی هم‌چنان در مرکز توجه سیاست‌گذاری قرار دارد، صرف افزایش حجم تولید کافی نیست. گزارش‌ها و تحلیل‌های اقتصادی نیز بر ضرورت حرکت به سمت تولید رقابت‌پذیر، افزایش بهره‌وری و تقویت بنگاه‌های مولد تاکید دارند.

در چنین شرایطی پرسش اساسی این است: چرا فرهنگ «سمبل کاری» و «ب ساز و بنداز» گاهی بر فرهنگ «اتقان در عمل» غلبه می‌کند؟ آیا مشکل از فرهنگ عمومی است یا ساختار اقتصادی و مدیریتی، رفتارهای کوتاه‌مدت را پاداش می‌دهد؟ و مهم‌تر اینکه برای تغییر این وضعیت، چه باید کرد؟ برای بررسی این موضوع با «سعیده اسکندری» تحلیلگر و دانش‌آموخته حوزه اقتصاد سیاسی، روزنامه‌نگار و تحلیلگر اسبق کفترانس ایران و اروپا در فرانکفورت آلمان، گفتگو کرده ایم.

اجازه دهید دان یک تعبیر رایج شروع کنیم: «ب ساز و بنداز». آیا واقعا می توان گفت چنین فرهنگی در تولید ایران ریشه دوانده است؟

باید کمی محتاط باشیم. اگر بگوییم جامعه ایران ذاتا کم کیفیت کار می‌کند، هم از نظر علمی نادرست است و هم راه اصلاح را می‌بندد. در ایران: مهندسان، کارگران، صنعتگران و تولیدکنندگانی داریم که استانداردهای بسیار بالایی را رعایت می‌کنند. مساله این است که در بخشی از اقتصاد، ساختار انگیزشی به گونه‌ای شکل گرفته که کار سریع و کم هزینه گاهی بیش از کار دقیق و بادوام پاداش می‌گیرد.

وقتی بیمانکار بابت تحویل سریع پروژه پاداش می‌گیرد اما هزینه خرابی چند سال بعد بر عهده او نیست، انگیزه برای کیفیت کاهش پیدا می‌کند. وقتی مشتری مجبور است کالایی را بخرد که گزینه جایگزین مناسبی ندارد، فشار بازار برای ارتقای کیفیت هم کمتر می‌شود. بنابراین بخشی از آنچه «فرهنگ سمبل کاری» می‌نامیم، در واقع واکنش افراد به محیطی است که در آن فعالیت می‌کنند.

پس شما نقش فرهنگ را انکار نمی‌کنید؟

به هیچ وجه. فرهنگ بسیار مهم است، اما فرهنگ را نباید یک مفهوم ایستا بدانیم. فرهنگ کار از رفتارهای تکرار شونده ساخته می‌شود. اگر سازمانی سال‌ها به کارمند خود بگوید «همین که تحویل بدهی کافی است»، بعد از مدتی این رفتار تبدیل به هنجار می‌شود. برعکس، اگر در یک مجموعه، محصول معیوب و اقا بررسی شود، خطا پنهان نشود، کار دقیق ارزش گذاری شود و فرد متخصص بابت کیفیت کارش اعتبار بگیرد، فرهنگ سازمانی تغییر می‌کند.

درواقع فرهنگ و ساختار اقتصادی یکدیگر را تقویت می‌کنند. اگر ساختار، کیفیت را تشویق کند، فرهنگ کیفیت هم فرصت رشد پیدا می‌کند.

آیا ساختار اقتصادی ایران هم به این وضعیت دامن زده است؟

بله. یکی از مشکلات مهم، ضعیف بودن برخی سازوکارهای رقابت است. تحلیل‌های اقتصادی درباره صنعت ایران نیز سال‌هاست بر مشکلاتی مانند بهره‌وری پایین، مقیاس ناکافی و حمایت‌هایی که همیشه با معیارهای رقابت و بهره‌وری همراه نبوده‌اند، تاکید می‌کنند.

اگر بنگاهی مطمئن باشد بدون ارتقای کیفیت هم بازار خود را حفظ می‌کند، انگیزه برای سرمایه‌گذاری بلندمدت کاهش می‌یابد. تولیدکننده زمانی واقعا به کیفیت اهمیت می‌دهد که کیفیت برای او مزیت رقابتی باشد و بی‌کیفیتی نیز هزینه داشته باشد.

امادر جامعه هم گاهی می‌شنویم که «همین که کار راه بیفتد کافی است» این نگاه از کجایم؟ آید؟ بخشی از آن نتیجه تجربه‌های تاریخی و اقتصادی است. جامعه‌ای که مدت زیادی با تورم، نااطمینانی و فشار اقتصادی مواجه است، تمایل است به تدریج افق تصمیم‌گیری‌اش کوتاه‌تر شود. در چنین شرایطی، هم مصرف‌کننده و هم تولیدکننده ممکن است به فکر امروز، و نه پنج سال آینده باشند.